کارنگ
۱۶۵
KARANG
WEEKLY MAGAZINE
هفته‌نامه
اقتصاد نوآوری
سال پنجم
شماره ۱۶۵
۸ تیر ۱۴۰۴
۱۴ صفحه
۲۰۰ هزار تومان

۱۰

چرا یک راهکار صنفی
خشم کاربران را برانگیخت؟

نصر تهران؛ سیبل بومرنگ

اینترنت طبقاتی

نقطه؛ سرخط!

از همان روزهای اول شروع جنگ از چهره‌های شناخته‌شده اکوسیستم نوآوری پرسیدیم سرنوشت کسب‌وکارها و استارتاپ‌ها چه می‌شود و چه باید کرد. مهم‌تر اینکه باید چه راهبردهایی برای بقا و تاب‌آوری در پیش گرفت؟

۴

پاسخگوی اکوسیستم باشید نه سخنگوی آن

آدم‌ها دل‌نگران، تیم‌ها در شوک

در روزهایی که سایه جنگ، نه به‌عنوان یک روایت دوردست، بلکه به‌عنوان یک واقعیت ملموس، روی زندگی ما افتاده، سؤال‌هایی از جنس بقا و معنا دوباره خودشان را بالا می‌کشند. برای ما که در اکوسیستم فناوری، نوآوری، فین‌تک و استارتاپ‌ها تنفس می‌کنیم، این سؤال‌ها حالا دیگر فقط فلسفی نیستند؛ عملی، روزمره و حتی اضطراری شده‌اند. کار کردن در شرایط عادی، خودش یک چالش دائمی است. اما حالا در جایی ایستاده‌ایم که صداهای اطرافمان عوض شده: صدای نوتیفیکیشن‌ها با صدای آژیر قاطی شده و تقویم کاری‌مان دیگر با جلسات و ددلاین‌ها پر نمی‌شود، بلکه با بی‌خبری، اضطراب و حتی ترس.

مهسا نجاتی
دبیر تحریریه
mahsaanejatii1993@gmail.com

جنگ ایران و اسرائیل، چه بخواهیم و چه نخواهیم، وارد زندگی حرفه‌ای ما شده است. با اینکه اکنون ظاهراً جنگ به پایان رسیده و کسب‌وکارها در تلاش‌اند که به حالت عادی بازگردند، در این مدت نه فقط به شکل تیتر خبرگزاری‌ها، این وضعیت بلکه به‌صورت اختلال در جلسات تیمی، غیبت‌های غیرمنتظره و پیام‌هایی از دوستان قدیمی که دنبال راهی برای رفتن از کشور هستند روی ما تأثیر گذاشته است.

در روزهای اخیر، حرف‌هایی که از مدیران منابع انسانی و بنیان‌گذاران شنیده‌ام، یک درد مشترک دارد: تیم‌ها در شوک‌اند. آدم‌ها دل‌نگران‌اند. بعضی، حتی اگر مانده‌اند، ذهنشان جای دیگری است. در این میان، انتظار بهره‌وری، رشد و حرکت روبه‌جلو، گاهی شبیه شوخی به‌نظر می‌رسد. اما شوخی نیست. مسئله امروز ماست.

سازمان‌ها در چنین شرایطی باید یک سؤال بزرگ را از خودشان بپرسند: چه معنایی برای آدم‌هایشان دارند؟ آیا صرفاً منبع درآمد هستند؟ یا می‌توانند پناهگاهی باشند برای حس تعلق و ثبات روانی در جهانی که مدام در حال لرزیدن است؟

هم‌زمان، ما با موجی از مهاجرت مواجهیم. اگر روزی مهاجرت یک تصمیم شخصی بود، امروز برای بسیاری به یک واکنش دفاعی تبدیل شده است. نماندن، برای بعضی‌ها دیگر انتخاب نیست؛ تنها راه باقی‌مانده است. نگران‌کننده‌تر از خود مهاجرت، سرعت و ناگهانی بودن تصمیم‌هاست. آدم‌هایی که تا دیروز از «ساختن» می‌گفتند، امروز فقط می‌خواهند «نجات پیدا کنند». این نشانه بحران است. بحرانی که اگر به آن توجه نکنیم، چیزی از اکوسیستم ما باقی نمی‌ماند جز پوسته‌ای بی‌جان. از سوی دیگر، همه نرفته‌اند. هنوز کسانی هستند که باوجود همه ترس‌ها و تردیدها، در جلسات حضور پیدا می‌کنند، برای حل باگ‌ها وقت می‌گذارند، برای توسعه محصول فکر می‌کنند. شاید آن‌ها همان سرمایه پنهانی ما باشند که باید بیشتر از همیشه قدرشان را بدانیم. چون اگر این سرمایه انسانی آسیب ببیند، اگر اعتماد و آرامش از بین برود، نه تیمی می‌ماند، نه کسب‌وکاری، نه آینده‌ای.

در روزگار جنگ، چتر سازمان‌ها باید گسترده‌تر باشد. باید بتوانند فراتر از کار و KPI، گوش شنوای اضطراب‌ها باشند، پناه روانی کارکنان شوند و اگر می‌توانند، حداقلی از امنیت شغلی و انسانی فراهم کنند. شاید حالا زمان آن است که معنای «برند کارفرمایی» را از نو بنویسیم.

کارنگ
KARANG
شماره ۱۶۵ | ۸ تیر ۱۴۰۴ | سال پنجم | کارنگ؛ هفته‌نامه اقتصاد نوآوری ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مینا والی
شورای سردبیری: رضا قربانی، مینا والی، رسول قربانی، رضا جمیلی، میثم سلیمانی، مینا حاجی
سردبیر: رضا جمیلی
دبیر تحریریه: مهسا نجاتی
تحریریه: مریم آزادی‌طلب، غزل یگانگی، فاطمه شایگان، هانا حیدری، نگار حاتمی، زهرا قربانی، یاسمن رئوفیان
مدیرهنری: روح‌اله گیتی‌نژاد
مدیرفنی: علیرضا کیوان
صفحه‌آرا: حمید ابراهیمی
وب‌سایت: محمد قربانی
شبکه‌های اجتماعی: علی موسوی
اجرایی: قادر شهبازی
چاپ: هنر اشکان
مالی و اداری: حانیه صالحی، محمد ناظمی
فروش و مشتریان: ساناز محمدنژاد

نشانی: تهران، جنت‌آباد جنوبی، خیابان لاله غربی، خیابان حدیث، کوچه حدیث دوم، پلاک ۸
وب‌سایت: karangweekly.ir

تاب‌آوری اکوسیستم نوآوری ایران بار دیگر در میدان بحران قرار گرفته است؛ عبور از این گردنه آسان نیست

پس از جنگ، پیش از بازسازی

جنگ، تنها به خط مقدم محدود نمی‌شود. وقتی موشک‌ها و هواپیماها خاموش می‌شوند و سیاست‌مداران بر سر میز مذاکره می‌نشینند، تازه نبرد دیگری آغاز می‌شود: نبرد بقا و بازسازی در میدان اقتصاد، کسب‌وکار و فناوری. در هفته‌های اخیر، پس از تنش‌های گسترده میان ایران و رژیم صهیونیستی، فضای عمومی کشور وارد دوره‌ای از بازاندیشی و احیای تدریجی شده است. در این میان، سؤال کلیدی برای بسیاری از کارآفرینان و فعالان اکوسیستم نوآوری این است: در این وضعیت، کسب‌وکار ما چگونه باید ادامه یابد؟

رضا قربانی
مدیرعامل راه‌کار
@RezaGhorbani_MM

ما در شرایطی ایستاده‌ایم که نه‌تنها زیرساخت‌های فنی و ارتباطی آسیب‌پذیر شده‌اند، بلکه اعتماد عمومی، سرمایه اجتماعی و ظرفیت انسانی نیز تحت فشار جدی قرار دارند. در این یادداشت، تلاش می‌کنم پنج محور کلیدی برای تاب‌آوری و پیشرفت کسب‌وکارهای دیجیتال ایران را مرور کنم، با تأکید بر اینکه دوره پس از جنگ، بیش از آنکه زمان بازگشت به گذشته باشد، فرصتی برای بازسازی آینده است.

۱ زیرساخت‌های دیجیتال داخلی؛ فراتر از اضطرار، یک مزیت راهبردی

جنگ به ما یادآوری کرد که اتکای صرف به اینترنت جهانی، ضعف بزرگی است. تجربه قطع یا اختلال گسترده اینترنت در ماه‌های گذشته، به‌وضوح نشان داد که زیرساخت دیجیتال کشور همچنان شکننده است. این موضوع فقط به معنای کندی سرعت یا اختلال در شبکه نیست؛ بلکه معیشت هزاران کسب‌وکار کوچک، استارتاپ، فروشگاه آنلاین و خدمات‌محور را به خطر می‌اندازد.

ضروری است که نهادهای دولتی و خصوصی، سرمایه‌گذاری فوری و پایدار بر توسعه زیرساخت‌های بومی انجام دهند. زیرساخت‌هایی که نه فقط در لحظات بحران، بلکه در رقابت منطقه‌ای نیز به‌عنوان یک مزیت استراتژیک عمل کنند. باید برای این سؤال پاسخ داشته باشیم: بار دیگر که اینترنت قطع شد کسب‌وکارها چگونه به فعالیت خود ادامه می‌دهند؟ وزارت ارتباطات و دیگر متولیان اینترنت در کشور چگونه دسترسی به اینترنت پایدار را برای کسب‌وکارها در شرایط بحران فراهم می‌کنند؟

۲ امنیت سایبری؛ مرز جدید حیات‌وممات

اگر حملات فیزیکی در جبهه جنگ پایان یافته‌اند، جبهه سایبری همچنان فعال است. گزارش‌ها از حملات سایبری متعدد به زیرساخت‌های بانکی، خدماتی و حتی رسانه‌ای کشور خبر می‌دهند. در چنین شرایطی، امنیت سایبری به یک مزیت رقابتی بدل نمی‌شود، بلکه به پیش‌نیاز موجودیت کسب‌وکارها تبدیل می‌شود.

کسب‌وکارهای دیجیتال باید با نگاهی جدی‌تر به مقوله امنیت اطلاعات بنگرند و از رمزگذاری داده‌های مشتری تا پایش تهدیدهای امنیتی، یک فرهنگ امنیت سایبری را درون خود توسعه دهند. سؤال این است: در جنگ بعدی چگونه جلوی حملات سایبری دشمن را می‌گیریم؟

۳ حمایت مالی هدفمند؛ نسخه‌ای فراتر از کمک اضطراری

یکی از بزرگ‌ترین خطرات در دوران پساجنگ، از بین رفتن جریان نقدینگی برای کسب‌وکارهای نوپا و متوسط است. قطع ارتباط با سرمایه‌گذاران خارجی، نوسانات ارزی، و کاهش قدرت خرید عمومی، همه به معنی فشار مالی بی‌سابقه است.

دولت در این شرایط، باید نقش یک بیمه‌گر اقتصادی را ایفا کند. حمایت مالی از طریق وام‌های کم‌بهره، کمک‌های بلاعوض، تعویق در پرداخت مالیات‌ها، و تخصیص بودجه ویژه برای کسب‌وکارهای دیجیتال، می‌تواند اثرات مخرب بحران را کنترل کند. سؤال این است: دولت چگونه با تزریق پول به رشد کسب‌وکارهای واقعی کمک می‌کند که در جنگ بعدی از هم نپاشند؟

۴ تطبیق با شرایط جدید؛ بازگشت ممکن نیست، بازسازی باید کرد

یکی از اشتباهات رایج پس از پایان بحران‌ها، تلاش برای بازگشت به شرایط قبل از بحران است. اما حقیقت این است که شرایط گذشته نیز پر از مشکل بود و اکنون فقط چالش‌ها عمیق‌تر شده‌اند؛ بنابراین، کسب‌وکارها باید از رؤیای «بازگشت» خارج شده و وارد واقعیت «بازسازی» شوند. بازسازی نیازمند تفکر سریع، تصمیم‌گیری جسورانه و حتی تغییر مدل کسب‌وکار است. چابکی سازمانی، فرهنگ یادگیری و آمادگی برای «پیووت» کردن باید در اولویت قرار گیرد.

۵ منابع انسانی؛ ستون پنهان تاب‌آوری

وقتی از تاب‌آوری صحبت می‌کنیم، نباید از مهم‌ترین دارایی سازمان‌ها، یعنی منابع انسانی، غافل شد. بسیاری از شرکت‌ها ممکن است در این دوره مجبور به تعدیل نیرو شوند؛ تصمیمی تلخ اما گاهی ضروری. ولی این بحران می‌تواند فرصتی باشد برای بازآموزی، توانمندسازی و بازتعریف نقش‌ها. در کنار آن، برند کارفرمایی بیش از همیشه اهمیت می‌یابد. کارکنان می‌خواهند بدانند که در کنار یک سازمان متعهد هستند. فراهم کردن زیرساخت‌های دورکاری، انعطاف‌پذیری شغلی، و حتی خدمات روان‌شناختی سازمانی، دیگر تجمل نیست؛ بخشی از مسئولیت‌پذیری حرفه‌ای است.

نقش ما چیست؟

جنگ فعلاً تعطیل شده، اما پرسش‌ها هنوز باقی‌ست. ما باید دوباره یاد بگیریم چگونه در تاریکی چراغ روشن کنیم. از دل بحران، نوآوری زاده می‌شود، اما فقط اگر بخواهیم و بتوانیم. مسئولیت بازسازی اکوسیستم نوآوری ایران، فقط بر دوش دولت نیست. کارآفرینان، رسانه‌ها، نهادهای مالی، دانشگاه‌ها و حتی کاربران باید سهم خود را در احیای اقتصاد دیجیتال ایران ایفا کنند. این فرصتی تاریخی است برای بازتعریف آینده؛ آینده‌ای که شاید دیگر شبیه گذشته نباشد، اما می‌تواند بهتر، پایدارتر و هوشمندتر باشد. اگر امروز برنامه‌ای نداشته باشیم، فردا برنامه‌ریزی نخواهد کرد که ما را نجات دهد. این یادداشت نه پایان است و نه هشدار، بلکه دعوتی است به آغاز مسئولانه یک دوران نو.

شماره ۱۶۵
۸ تیر ۱۴۰۴
سال پنجم

بازگشت بانک‌ها
به روال عادی پس از جنگ

گزارش میدانی از اولین

روز کاری بانک‌ها

تا پیش از ۲۵ خرداد ۱۴۰۴، بانک‌های کشور با ظرفیت کامل فعالیت می‌کردند، اما پس از آغاز جنگ، فعالیت آن‌ها به شعب کشیک محدود شد و سپس به ۳۰ تا ۵۰ درصد ظرفیت کاهش یافت. با اعلام سازمان اداری و استخدامی کشور، از ۷ تیرماه، ساعت کاری بانک‌های دولتی و نیمه‌دولتی به روال عادی بازگشته است. براین‌اساس، بانک‌ها از ساعت ۶:۳۰ تا ۱۲:۳۰ به مشتریان خدمات ارائه می‌دهند و ساعت کاری کارکنان از ۶ صبح تا ۱ بعدازظهر تعیین شده است.

این گزارش میدانی، حاصل بازدید از شعب بانک‌های اقتصاد نوین، سامان، صادرات، سپه و پاسارگاد و گفت‌وگو با مشتریان و متصدیان است که وضعیت اولین روز کاری بانک‌ها پس از جنگ را بررسی می‌کند.

تأثیرات جنگ بر زیرساخت‌های بانکی

در طول جنگ ۱۲ روزه، زیرساخت‌های بانکی کشور هدف چندین حمله سایبری قرار گرفت. بانک سپه با هک اطلاعات مواجه شد و بانک پاسارگاد نیز از حملات سایبری در امان نماند. این حملات باعث اختلال در خدمات آنلاین بانک‌ها، از جمله اپلیکیشن‌ها و وب‌سرویس‌ها شد. برخی خدمات حتی به طور کامل قطع شدند. با بازگشت به شرایط عادی، شعب بانک‌ها مملو از مشتریانی بود که برای انجام امور بانکی خود مراجعه کرده بودند.

وضعیت شعب بانک‌ها در روز اول

بانک پاسارگاد

شعبه بانک پاسارگاد نیز پر از مشتریانی بود که با حوصله در انتظار نوبت خود بودند. خودپردازهای این بانک همچنان با اختلال مواجه بودند و امکان کارت به کارت وجود نداشت. اپلیکیشن بانک پاسارگاد و نئوبانک ویپاد نیز غیرفعال بودند و عملیات بانکی آنلاین با مشکل مواجه بود.

بانک صادرات

در شعبه بانک صادرات، جو آرام‌تر بود، اما قطعی سیستم برخی خدمات را مختل کرده بود. مشتریان با صبر منتظر اتصال مجدد سامانه بودند. بررسی‌ها نشان داد که اپلیکیشن بانک صادرات بدون مشکل کار می‌کند.

بانک سامان

شعبه سمرقند بانک سامان نیز شلوغ بود و صف‌های طولانی در داخل شعبه و مقابل خودپردازها دیده می‌شد. به گفته یکی از متصدیان، سامانه استعلام بانک مرکزی از صبح متصل بود، اما حوالی ظهر قطع شد. اگرچه اپلیکیشن بانک سامان فعال بود، نت‌بانک این بانک همچنان غیرفعال باقی مانده بود.

بانک اقتصاد نوین

شعبه سمرقند بانک اقتصاد نوین مملو از مشتری بود، اما قطعی سامانه استعلام بانک مرکزی که برای بررسی وضعیت اعتباری و صدور یا تمدید کارت‌های بانکی استفاده می‌شود، مانع انجام برخی امور شد. این سامانه برای جلوگیری از خطرات اعتباری، اطلاعات مشتریان را بررسی می‌کند.

بانک سپه

شعبه بانک سپه تنها خدمتی که ارائه می‌داد، ارجاع مشتریان به بانک‌های دیگر بود. پس از بررسی کد ملی، به مشتریان اطلاع داده می‌شد که سپرده‌هایشان به کدام بانک منتقل شده است. بانک سپه پیش‌تر اعلام کرده بود که برای رفاه مشتریان، سپرده‌ها به حساب‌های آن‌ها در سایر بانک‌ها واریز شده است.

---

۹ تیرماه آغاز انجام معاملات در صرافی نوبیتکس

آخرین وضعیت پلتفرم مبادلات رمزارز نوبیتکس

نوبیتکس که اخیرا دچار هک شد، اعلام کرد از دوشنبه ۹ تیرماه ۱۴۰۴، امکان برداشت، انجام معامله و واریز برای کاربران فراهم می‌شود. این تصمیم پس از تلاش‌های تیم فنی و عملیاتی برای بازگرداندن خدمات، با وجود چالش‌های ناشی از تنش‌های منطقه‌ای، محدودیت‌های دسترسی به دیتاسنترها، مشکلات زیرساختی اینترنت و پیچیدگی‌های دورکاری اعلام شده است.

طبق بیانیه نوبیتکس، بازگشت خدمات به صورت تدریجی و در سه مرحله انجام خواهد شد. در مرحله اول، از ۴ تیرماه، فرایند احراز هویت مجدد برای امن‌سازی دسترسی به حساب‌های کاربری از طریق نسخه وب آغاز می‌شود. این مرحله صرفاً برای تأیید امنیت حساب‌ها بوده و قابلیت‌های اصلی نوبیتکس تا اتمام آن غیرفعال خواهد بود. در مرحله دوم، از ۷ تیرماه، با تکمیل پایش اطلاعات، دسترسی کامل به حساب‌های کاربری فراهم می‌شود. در نهایت، در مرحله سوم از ۹ تیرماه، قابلیت برداشت، معامله و واریز به ترتیب فعال خواهد شد. جزئیات اجرایی این مرحله در اطلاعیه‌ای جداگانه منتشر می‌شود.

نوبیتکس تأکید کرده که به دلیل پیچیدگی‌های حادثه رخداده، اولویت اصلی‌اش تضمین امنیت دسترسی کاربران است. این صرافی با اشاره به تأخیرهای ناشی از محدودیت‌های سرویس‌دهنده‌ها و شرایط غیرمنتظره، اعلام کرد که با وجود این چالش‌ها، فرایند بازگشت خدمات با اختلاف زمانی اندک نسبت به پیش‌بینی‌های اولیه آغاز شده است. نوبیتکس همچنین متعهد شده که جزئیات حادثه پس از بررسی کامل توسط تیم امنیت منتشر خواهد شد.

در پایان، نوبیتکس از اعتماد و همراهی کاربران تشکر کرده و اطمینان داده که با تمام توان برای حفظ اعتماد کاربران و بازگرداندن کامل دارایی‌ها و خدمات تلاش می‌کند. این صرافی مسئولیت خود را در قبال کاربران جدی دانسته و بر تعهد خود برای ارائه خدمات امن و پایدار تأکید کرده است.

بانک ملی کارت‌های منقضی‌شده را ۶ ماه تمدید کرد

بانک ملی اعلام کرد مهلت استفاده از کارت‌های بانکی منقضی‌شده در ماه‌های خرداد، تیر و مرداد ۱۴۰۴ به مدت ۶ ماه تمدید شده است. سپاس از بانک ملی...

تعلیم و تربیت دوهمتی!

معاون سیاستگذاری اقتصاد دیجیتال وزارت ارتباطات از برنامه‌ای برای تربیت ۲ میلیون نیروی متخصص در حوزه اقتصاد دیجیتال خبر داد! یک فیل بزرگ برای به هوا نرفتن...

آچاره وام بدون سود می‌دهد

آچاره در راستای مسئولیت اجتماعی خود، از ارائه تسهیلات ویژه برای بازسازی خانه‌های آسیب دیده در جنگ ۱۲ روزه خبر داد. یک کار قشنگ.

الکامپ شاید وقتی دیگر

شرکت نمایشگاه‌های بین‌المللی اعلام کرده تاریخ جدید برگزاری الکامپ، متعاقباً از طریق پرتال این شرکت اعلام می‌شود. خبر آمد که خبری در راه است!

پاسخگوی اکوسیستم باشید نه سخنگوی آن

انفعال وزارت ارتباطات در مسئله اینترنت و محدودیت‌های آن مرزهای جدیدی را تجربه می‌کند. معاونان و مشاوران وزارتخانه گویا فراموش کرده‌اند که این روزها مسئول وضع موجودند نه تحلیلگر و پژوهشگر دانشگاه

شرایط جنگی است. همه‌مان این شرایط و مختصات و بایدها و نبایدهایش را خوب می‌دانیم. فکر می‌کنیم به اندازه کافی و حتی آنطور که از همه به‌خصوص از مسئولین می‌شنویم مردم و کسب‌وکارها با این شرایط خاص بیش از انتظار هم همراهی کرده‌اند. اما همه این‌ها نباید مانع شود که به عملکرد برخی دستگاه‌ها و نهادهای اجرایی نقد وارد کنیم.

به‌خصوص باید به آن‌ها که این روزها توصیه و عذرخواهی و راه‌حل از خودشان در می‌کنند یادآوری کنیم که شما مسئولید. شرایط هرچقدر جنگی و خاص؛ فراموش نکنید که مردان و زنان دولت شمایید. شما هستید که باید پاسخگو باشید در برابر وضعیتی که کسب‌وکارها در آن به سر می‌برند نه اینکه صرفا با توصیه‌درمانی و همدردی عالمانه و نگاه از بالا تحلیل‌تان از شرایط را ارئه دهید.

توصیه‌های جف بزوس برای عبور از بحران‌های بزرگ

جف بزوس، بنیان‌گذار آمازون و یکی از موفق‌ترین کارآفرینان جهان، با تجربه مدیریت بحران‌هایی مانند حباب دات‌کام و چالش‌های اقتصادی جهانی، توصیه‌های ارزشمندی برای عبور کسب‌وکارها از بحران‌های بزرگ ارائه کرده است.

تمرکز بر مشتری به جای رقبا

بزوس همواره تأکید دارد که کلید موفقیت در بحران‌ها، تمرکز بر نیازهای مشتری است. او معتقد است که کسب‌وکارها باید به جای رقابت بی‌وقفه با دیگران، تجربه‌ای بی‌نظیر برای مشتریان خلق کنند. در سال ۲۰۰۰، زمانی که آمازون در معرض فروپاشی به دلیل حباب دات‌کام قرار داشت، بزوس با تمرکز بر بهبود خدمات مشتری و ساده‌سازی فرایندهای ارسال کالا، شرکت را از ورشکستگی نجات داد. او می‌گوید: «اگر تجربه‌ای عالی برای مشتریان فراهم کنید، آن‌ها درباره‌اش صحبت می‌کنند و این تبلیغات دهان‌به‌دهان قدرتمند است».

تورج امرایی خبرداد

حمایت‌های بیمه‌ای از شرکت‌های دانش‌بنیان در شرایط بحرانی

در راستای حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان در شرایط بحرانی، هماهنگی‌هایی بین معاونت علمی و فناوری و سازمان تأمین اجتماعی انجام شده است تا مساعدت‌هایی برای این شرکت‌ها فراهم شود. این اقدامات با هدف کاهش فشارهای مالی و تسهیل فعالیت‌های این شرکت‌ها در شرایط دشوار اقتصادی صورت گرفته است.

تورج امرایی، معاون توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان، اظهار داشت که با توجه به شرایط کنونی کشور، کارفرمایانی که امکان پرداخت یکجای حق بیمه را ندارند، می‌توانند با همکاری ادارات کل استانی سازمان تأمین اجتماعی، ۷۰ درصد از سهم حق بیمه کارفرما را به‌صورت نقدی و ۳۰ درصد باقی‌مانده را با ارائه چک پرداخت کنند. این انعطاف در پرداخت، گامی مهم برای حمایت از نقدینگی شرکت‌های دانش‌بنیان محسوب می‌شود.

همچنین، حسابرسی بیمه‌ای شرکت‌های دانش‌بنیان مستقر در استان تهران که تاریخ حسابرسی دفاتر آن‌ها بین خرداد تا ۱۵ تیرماه ۱۴۰۴ است، به دلیل مشکلات ناشی از عدم حضور فیزیکی در دفاتر کاری و نبود دسترسی به مدارک، به مدت یک ماه به تعویق خواهد افتاد. این تصمیم به شرکت‌ها فرصت می‌دهد تا آمادگی لازم برای ارائه مدارک و مستندات را کسب کنند. علاوه بر این، هر شرکت دانش‌بنیان می‌تواند تا سقف دو مفاصا حساب را به‌صورت علی‌الحساب و با ضریب صفر دریافت کند. این امکان به شرکت‌ها کمک می‌کند تا بدون تحمل فشارهای مالی اضافی، به فعالیت‌های خود ادامه دهند و در عین حال تعهدات بیمه‌ای خود را مدیریت کنند.

کارنگ KARANG
اکوسیستم ECOSYSTEM
شماره ۱۶۵
۸ تیر ۱۴۰۴
سال پنجم

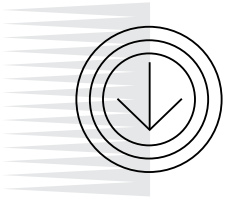

حسام مقصودلو
مدیرعامل ایده ونچرز

شرکت‌داری در شرایط جنگی

یک شرکت نباید در شرایط جنگی حداقل تا زمان روشن‌تر شدن وضعیت درباره تعدیل و قطع همکاری با مکانبع انسانی خود صحبت کند یا تصمیمی بگیرد. مدیران عامل باید حداقل تا دو ماه آینده برای حفظ روحیه کارکنان شرکت و هم‌بستگی سرمایه‌های انسانی این موضوع را مدیریت کنند. در شرایط خاصی چون این روزها، سرمایه‌های انسانی نباید، نگران فردای خود باشد.

موضوع مهم دیگر هم مدیریت تأمین نقدینگی، شامل مدیریت هزینه‌ها در حوزه‌هایی چون تبلیغات و رویدادها و حتی ساعات اضافه‌کاری است. آن دسته از شرکت‌هایی که از دولت مطالبه دارند هم تنها راهی که جلوی راهشان است فشارآوردن به دولت است؛ اما ازآنجایی که نتیجه وصول مطالبات مشخص نیست، شاید توجه به مصرف نقدینگی در این شرایط گزینه بهتری باشد. این را هم در نظر داشته باشیم که کاهش تبلیغات، کاهش درآمد را هم در پی دارد. یکی از راه‌هایی که یک شرکت می‌تواند به واسطه آن درآمدزایی داشته باشد، روابط عمومی خوب و سوارشدن بر موج فعلی برای رفع نیازهای خاص جامعه است که این رویکرد هم چالش‌های خودش را دارد. دسترسی‌ها به شبکه‌هیا اجتماعی محدود است و سایر روش‌های تبلیغاتی هم گران‌قیمت هستند. شاید شرکت‌های پلتفرمی با فشار بر صداوسیما بتوانند باکس‌های تبلیغاتی رایگان یا کم‌هزینه بگیرند.

سازمان تأمین اجتماعی حتماً باید در فرایندهایش بازنگری کند. این سازمان به همراه سازمان امور مالیاتی در همین مدت حمله نظامی به کسب‌وکارها پیامک ارسال می‌کردند. گویی این دو نهاد مجموعه‌ها یی جدایی از کشور هستند که درکی از شرایط کشور ندارند و یا نمی‌خواهند که داشته باشند.

در این میان عملکرد وزارت ارتباطات که تا قبل از جنگ اخیر هم مورد نقد جدی اکوسیستم بوده از منظر کلیدواژه‌هایی چون گفتاردرمانی و آماردهی نابجا و بی‌خاصیت وضعیت ویژه‌ای پیدا کرده است. آن‌هم در روزهایی که اینترنت کشور یک هفته فاجعه‌بار را پشت سر گذاشته و کسب‌وکارهای اقتصاد نوآوری و اکوسیستم دیجیتال روزهای سخت و پرمشقتی را پشت سرمی‌گذارند.

وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات ایران، وزارتخانه‌ای که بر اساس قانون اساسی و قوانین مرتبط با آن مکلف به تامین و حفظ زیرساخت‌های ارتباطی کشور است، در بیش از یک سال گذشته مسیری عجیب را طی کرده. مسیری که از وعده‌های بزرگ برای بازگشایی فضای مجازی آغاز شد و به سکوت و انفعال در برابر شدیدترین محدودیت‌های اینترنتی سال‌های اخیر انجامید.

از وعده تا فراموشی؛ روایت یک سال انفعال

زمانی که دولت دکتر پزشکیان کار خود را آغاز کرد، وزارت ارتباطات با شعارهایی نظیر آزادی‌های بیشتر در حوزه اینترنت و دسترسی به سرویس‌های بین‌المللی وارد عرصه شد. وعده‌هایی که انتظارات مردم و فعالان اقتصادی را برانگیخت و امیدی تازه برای رهایی از محدودیت‌های چندساله ایجاد کرد. اما آنچه در عمل اتفاق افتاد، چیزی فراتر از شکست در عملیاتی کردن وعده‌ها بود؛ فراموشی تدریجی مأموریت اصلی این وزارتخانه.

وزارت ارتباطات، در جریان روزمرگی اداری و بوروکراسی حاکم، به تدریج از یاد برد که وظیفه اصلی‌اش تامین ارتباط پایدار و قابل اعتماد برای شهروندان و بنگاه‌های اقتصادی است. این فراموشی تدریجی، زمینه را برای وضعیت کنونی فراهم کرد. درواقع بیش از آنکه جنگ، اینترنت کشور را به حال و روز فعلی انداخته باشد فراموشی ماموریت وزارتخانه آی‌تی مملکت است که مسبب اصلی وضع فعلی بوده است.

با شروع تنش‌های اخیر و ورود کشور به شرایط بحرانی و جنگی، وضعیت اینترنت ایران وارد مرحله جدیدی از نابسامانی و بدی شد. به‌ویژه در طول دو هفته گذشته، محدودیت‌هایی اعمال شد که حتی برای استانداردهای سخت‌گیرانه سال‌های قبل نیز غیرعادی محسوب می‌شود. این محدودیت‌ها نه تنها دسترسی مردم عادی به اطلاعات و ارتباط را مختل کرد، بلکه آسیب‌های جدی به اکوسیستم اقتصاد دیجیتال وارد کرده است.

اما واکنش وزارت ارتباطات به این بحران، نشان‌دهنده عمق مشکل است. به جای ارائه راه‌حل، شاهد معذرتخواهی هستیم. به جای پاسخگویی، شاهد سکوت. و به جای مسئولیت‌پذیری، شاهد انتقال مسئولیت به دیگران.

نمونه‌ای از این انحراف از مسیر اصلی، توییت محمد رهبری، مشاور وزیر ارتباطات در امور فناوری و نوآوری اجتماعی داده‌محور است. رهبری همچون دیگر مسئولان حوزه ارتباطات با لحن و موضعی دلسوزانه در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «در جلساتی که طی روزهای گذشته با تعدادی از فعالان کسب‌وکارهای اینترنتی برگزار شد، برخی از آن‌ها اعلام کردند که درآمدشان تا ۸۰ درصد کاهش یافته است.»

مشاوری که قرار است در شرایط بحرانی راه‌حل‌هایی برای کاهش آسیب‌های وارده به اکوسیستم فناوری کشور ارائه دهد، مشغول ارائه آمارهایی شده که نه تنها در حوزه مسئولیت مستقیم وی قرار ندارد، بلکه بدون ارائه جزئیات، منابع و مستندات قابل اعتماد ارائه می‌شود. چند شرکت؟ کدام بخش‌ها؟ در چه بازه زمانی؟ بر اساس چه معیارهایی؟ از پلتفرم‌ها حرف می‌زنید یا از شرکت‌های تامین‌کننده زیرساخت کشور؟ از زبان کسب‌وکارهای اینستاگرامی می‌گویید یا از زبان صنف و اتحادیه و ۷-۸ شرکت بزرگ اینترنتی کشور؟ از حوزه لجستیک می‌گویید یا کالاهای تندمصرف؟ کالاب دیجیتال را می‌گویید یا حمل و نقل اینترنتی را؟ آمارتان نتیجه چند جلسه است؟ ۲ تا ۱۰ تا ۱۰۰ تا؟

وزارت ارتباطات، در جریان روزمرگی اداری و بوروکراسی حاکم، به تدریج از یاد برد که وظیفه اصلی‌اش تامین ارتباط پایدار و قابل اعتماد برای شهروندان و بنگاه‌های اقتصادی است

دیده شدن... بیشتر دیده شدن...

این خبردرمانی‌های بی‌فایده که چند صباحی در خبرگزاری‌ها دست به دست می‌شود و چیزی جز دیده شدن نام و عنوان پرطمطراق دولتی‌هایی که باید پاسخگو باشند فایده دیگری برای اکوسیستم ندارد تا کجا باید ادامه پیدا کند؟ تا کی باید به جای کارآفرینان اقتصاد نوآوری، دولتمردان کشور حرف بزنند؟ این سوالی است که این روزها باید وزارت ارتباطات برای پاسخ به آن از موضع حکیمانه و مادرانه‌اش پایین بیاد و بنشیند در مقام و مقال پاسخگویی.

این رویکرد نشان‌دهنده جابه‌جایی اولویت‌هاست. به جای پاسخگویی درباره چرایی وضعیت کنونی اینترنت و ارائه برنامه‌ای برای جبران خسارات وارده، مشاهده می‌کنیم که مسئولان این وزارتخانه مشغول آمارسازی و تأیید بحران شده‌اند، نه حل آن.

در واقع بزرگ‌ترین مشکل وزارت ارتباطات در شرایط کنونی، تغییر نقش از پاسخگو به سخنگو است. ستار هاشمی، وزیر ارتباطات، پس از اعلام آتش‌بس میان ایران و رژیم اسرائیل در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «با عادی شدن شرایط، وضعیت دسترسی‌های ارتباطی، به شرایط قبل بازگشت» و با عذرخواهی از مردم بابت «این وضعیت تحمیلی» اضافه کرد: «مجدداً پیگیر وعده‌های پیشین خود برای تسهیل دسترسی و بهبود کیفیت ارتباطات هستیم.» بهزاد اکبری، معاون وزیر ارتباطات نیز در همین راستا نوشت: «در روزهای جنگ، خانواده ارتباطات زیر فشار مضاعف پایداری خدمات در برابر محدودیت‌ها و تهدیدات سایبری بودند. امید که مراجع مربوطه تلاش کنند از روش‌های هوشمندانه‌تری برای حفظ امنیت ملی استفاده کنند.»

این اظهارنظرها و توییت‌ها نشان‌دهنده تغییر ماهیت مسئولیت‌پذیری است. وزارتخانه‌ای که باید پاسخگوی عملکرد اکوسیستم ارتباطی کشور باشد، به تدریج خود را در نقش سخنگوی این اکوسیستم قرار داده است. عذرخواهی برای «وضعیت تحمیلی» و انتقال مسئولیت به «مراجع مربوطه» همگی نشان‌دهنده عقب‌نشینی از مسئولیت‌های ذاتی است. پاسخگو کسی است که مسئولیت نتایج را می‌پذیرد و برای بهبود آن‌ها اقدام می‌کند. سخنگو کسی است که صرفاً اطلاع‌رسانی می‌کند و توضیح می‌دهد. این جابه‌جایی نقش، نشان‌دهنده عقب‌نشینی از مسئولیت‌های ذاتی و افعال نمضاعفی است که مهم‌ترین نهاد دولتی حوزه ارتباطات و فناوری کشور به آن دچار شده است.

دست بجنبانید و کاری کنید

در شرایطی که اقتصاد دیجیتال کشور دستخوش آسیب‌های جدی شده، انفعال قابل توجیه نیست. مردم و بنگاه‌های اقتصادی انتظار دارند که وزارت ارتباطات از حالت تدافعی خارج شود و نقش فعال و مسئولانه‌ای در حل مشکلات ایفا کند بیش از یک سال از شروع به کار مردان آی‌تی دولت گذشته است... لطفا دیگر تحلیل و توصیه را کنار بگذارید. جنگ را هم بهانه انفعال و نتوانستن‌های بیشتر نکنید. اکوسیستم نوآوری در این سال‌ها زخم زیاد خورده. دست بجنبانید و کاری کنید. میدان‌دار شوید. دنباله‌رو اخبار و توییت‌ها و تحلیل‌ها نباشید. قرارمان با دولت پزشکیان این نبود. قرار بود کاری کنید. اینترنت و زیرساخت‌های ارتباطی را از وضعیت اسفبار آن خارج کنید. فرصت‌سوزی را متوقف کنید و روزها و ساعت‌ها را دریابید.

نوآوری در محدودیت‌ها

بزوس معتقد است که بحران‌ها فرصتی برای نوآوری هستند. او می‌گوید: «وقتی در محدودیت‌ها قرار می‌گیرید، ابتکار عمل به خرج دهید و راهی برای خروج پیدا کنید». در دوران بحران دات‌کام، آمازون با گسترش تنوع محصولات و معرفی خدمات ابری (AWS) نه‌تنها جان سالم به در برد، بلکه به یکی از پیشگامان فناوری تبدیل شد. این رویکرد نشان می‌دهد که کسب‌وکارها باید در شرایط سخت، به دنبال راه‌حل‌های خلاقانه باشند.

انعطاف‌پذیری و چابکی

یکی دیگر از توصیه‌های بزوس، حفظ چابکی سازمانی است. او معتقد است که کسب‌وکارها باید «همیشه جوان» باقی بمانند و با نیازهای متغیر بازار همگام شوند. این انعطاف‌پذیری به آمازون کمک کرد تا در بحران‌هایی مانند همه‌گیری کرونا، با افزایش تقاضای خرید آنلاین، به سرعت ظرفیت‌های خود را گسترش دهد و سودآوری چشمگیری کسب کند.

مدیریت بحران با شفافیت

بزوس بر اهمیت ارتباطات شفاف در زمان بحران تأکید دارد. او توصیه می‌کند که کسب‌وکارها در مواجهه با مشکلات، سریع و صادقانه با مشتریان و ذی‌نفعان ارتباط برقرار کنند. به عنوان مثال، در مواجهه با انتقادات و شایعات، آمازون با پاسخ‌های شفاف و قدرتمند، اعتماد مشتریان را حفظ کرد. بزوس می‌گوید: «حقیقت را بگویید و اطلاعات نادرست را اصلاح کنید».

دیدگاه بلندمدت

بزوس کسب‌وکارها را به تمرکز بر اهداف بلندمدت تشویق می‌کند. او در نامه معروفش به سهام‌داران در سال ۱۹۹۷ اعلام کرد که آمازون سود کوتاه‌مدت را فدای چشم‌انداز بلندمدت می‌کند. این استراتژی به آمازون امکان داد تا در بحران‌های مالی، با سرمایه‌گذاری در فناوری و زیرساخت‌ها، به رشد پایدار دست یابد.

رضا زرنوخی: باید در تعریف‌مان از کسب‌وکار تجدیدنظر کنیم

در شرایط فعلی، آنچه از بین رفته، ارزش دارایی‌های نامشهود است. ما درگیر یک جریان جدید هستیم که تعریف سنتی از کسب‌وکار را به چالش کشیده؛ اینکه اساساً منظورمان از کسب‌وکار چیست و چه نوع کسب‌وکاری است؟ کاربران اقتصاد دیجیتال تغییر رفتار داده‌اند؛ ممکن است دیگر حتی حوصله ثبت یک سفارش ساده را نداشته باشند، چون درگیر بحران‌اند.

شبکه تأمین هم نشان داد مستقل از پلتفرم‌ها مسیر خودش را می‌رود؛ بخشی از آن تعطیل بود، اما بخش دیگر در شبکه آفلاین فعال ماند. ساختارهای پشتیبانی و ستادهایی که قرار بود تسهیل‌گر باشند، عملاً نقشی ایفا نکردند و حالا کسب‌وکارها می‌دانند در شرایط بحران، فقط می‌توانند روی خودشان حساب کنند.

ما نیاز به بازنگری جدی در ساختارها داریم؛ از مدل مارکتینگ گرفته تا زیرساخت‌ها و سازمان‌های حاکمیتی. زیرساخت‌هایی که با سال‌ها هزینه ساخته شده بودند، با یک شوک ساده از کار افتادند و جایگزینی آن‌ها هم بلافاصله ممکن نیست.

کسب‌وکارها با چالش بزرگ جلب دوباره اعتماد مردم مواجه‌اند، چون وقتی کاربران به خدمات نیاز داشتند، این خدمات در دسترس نبود. دولت هم باید در مأموریت‌هایش بازنگری کند؛ بسیاری از نهادها فقط نمایش هستند و خروجی ندارند. بحران به ما نشان داد که بسیاری از ادعاهایی که می‌کردیم–به‌ویژه در حوزه دولتی و فناوری– پشتوانه واقعی نداشته‌اند.

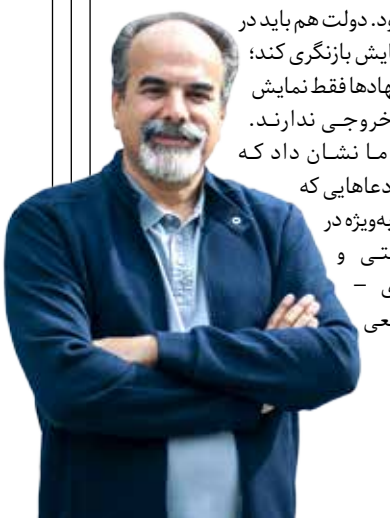

نقطه؛ سرخط!

از همان روزهای اول شروع جنگ از چهره‌های شناخته‌شده اکوسیستم نوآوری پرسیدیم سرنوشت کسب‌وکارها و استارتاپ‌ها چه می‌شود و چه باید کرد و چه راهبردهایی برای بقا و تاب‌آوری در پیش گرفت. پرسش‌هایی که از اول هفته جاری و با شروع به کار مجدد کسب‌وکارها؛ اهمیت‌شان بیشتر شده است...

تحلیل ANALYSIS

کارخانه نوآوری راه‌کار و سایت راه پرداخت در هفته اول جنگ از طریق گفت‌وگوهای تلفنی و مکتوب و در هفته دوم از طریق برنامه اتاق قرمز تلاش کرد بستری برای گفت‌وگوی فعالان اکوسیستم نوآوری و فناوری ایران فراهم کند تا درباره چالش‌ها و راهکارهای عبور از این دوران سخت و پرچالش صحبت کنند. اظهارنظرهایی کوتاه یا بلند که مدیران و بنیان‌گذاران کسب‌وکارهای نوآور ایرانی در آن‌ها از روش‌ها و استراتژی‌های بقا و حفظ کسب‌وکار گفتند؛ از اینکه چطور باید هم جریان نقدینگی در کسب‌وکار را زنده نگه داشت و هم حتی‌الامکان نیروی انسانی را حفظ کرد. آنچه در صفحات پیش‌رو می‌خوانید ما حصل این گفت‌وگوها و برنامه ویدئویی اتاق قرمز است که در ۵ روز متوالی منتشر شد و دریچه‌ای است به روی مهم‌تر مسئله این روزهای اکوسیستم اقتصاد نوآوری ایران. اینکه آینده این اکوسیستم در روزها و ماه‌های آینده چه می‌شود؟ چه بخش‌هایی از اقتصاد نوآوری آسیب دیده یا از دست رفته و مهم‌تر اینکه مدیران این کسب‌وکارها چطور باید خود را برای روزهایی که هیچ شباهتی به روزهای قبل ۲۵ خرداد ۱۴۰۴ ندارند آماده کنند. آینده‌ای که احتمالا با تصمیم‌های سخت و شرایط سخت‌تر همراه خواهد بود و نداشتن پیش‌بینی و مهم‌تر نداشتن آمادگی رویارویی با آن می‌تواند خسارت‌های جبران‌ناپذیر به کسب‌وکارهایی وارد کند که از بحران‌ها و برهه‌های حساس قبلی هم نصفه‌ونیمه جان سالم به در بودند!

کارنگ KARANG
راهبرد STRATEGY
شماره ۱۶۵
۸ تیر ۱۴۰۴
سال پنجم

مازیار نوربخش
رئیس کمیسیون تحول، نوآوری و بهره‌وری اتاق بازرگانی

تلاش برای بقا و ادامه دادن

متأسفانه این روزها در شرایطی بحرانی و نگران‌کننده به‌سر می‌بریم. اخبار مختلف و صدای انفجار، ما را از زندگی روزمره دور کرده است. در چنین وضعیتی، مهم است که بنگاه‌ها بتوانند به حیات خود ادامه دهند؛ این نه‌تنها برای بقاء خود بنگاه ضروری است، بلکه برای پایداری کل اقتصاد کشور نیز حیاتی است. از سوی دیگر، موضوع معیشت و آرامش کارکنان کسب‌وکارها نیز اهمیت دارد. وظیفه بنگاه‌هاست که در این شرایط امنیت روانی کارکنانشان را تأمین کنند. یکی از راهکارها، فراهم‌کردن امکان دورکاری است؛ به‌صورت شیفتی یا نیمه‌حضوری، تا با کمترین آسیب، بتوانیم از این دوران دشوار عبور کنیم. مطمئناً این وضعیت طولانی مدت نخواهد بود و من خوش‌بین هستم که به‌زودی به زندگی نرمالی که تجربه‌اش را داشتیم، بازخواهیم گشت. در عین حال، توقع داریم دولت به وضعیت بنگاه‌های خصوصی توجه ویژه داشته باشد. باید تدابیری برای تعویق یا تقسیط پرداخت دیون تسهیلاتی در نظر گرفته شود تا شرکت‌ها بتوانند به فعالیت خود ادامه دهند. همچنین، مقررات و دستورالعمل‌های دست‌وپاگیری که برای اقتصاد دیجیتال کشور وضع شده، باید در چنین شرایطی کنار گذاشته شود. تجربه نشان داده که بهترین کمک دولت در شرایط بحران، اعتماد به سرویس‌هایی است که بر بستر اقتصاد دیجیتال به مردم ارائه می‌شود.

ولی‌اله فاطمی
بنیان‌گذار توسن

کسب‌وکارهایمان را برای آینده ایران حفظ کنیم

نسل دهه‌های ۴۰ و ۵۰ تجربه دوران‌های سخت را داشته است. نکته مهم این است که این روزها می‌گذرد اما ایران باقی می‌ماند و باید توجه داشته باشیم که چه ما باشیم چه نباشیم ایران نیازمند سرمایه‌های ما نظیر نیروی انسانی، فناوری‌ها و داده‌هاست.
ما موظف هستیم این سرمایه‌ها را برای نسل بعد محفوظ نگه داریم. همه باید کمک کنیم ایرانی آباد و سربلند باقی بماند و در این ایران آباد نقش داشته باشیم حتی اگر خسارت، آسیب یا مشکلاتی برای عده‌ای از دوستان به وجود بیاید.
انرژی ما، انرژی آینده ایران است، انرژی نسل بعد و فرزندانمان است. این دوران سخت نیز با کمک یکدیگر به سرعت طی می‌شود. برای سرافرازی بیشتر و آبادانی و رشد کشور اکنون می‌توانیم همه انرژیمان را به نسل بعد منتقل کنیم.

شهاب جوانمردی
مدیرعامل فناپ

با هم می‌توانیم از این بحران‌ها عبور کنیم

معتقدم در این روزهای سختی که در آن قرار داریم، کسب‌وکارها یکی از مهم‌ترین اجزای پایداری جامعه هستند. ما این روزها بیش از گذشته باید حواسمان باشد که همکاران‌مان، روند کسب‌وکاری‌مان، خدمت‌رسانی‌مان و آنچه در جامعه از ما بروز و ظهور دارد، تداوم داشته باشد.
کسب‌وکارها باید بیش از گذشته به تاب‌آوری فکر کنند و سیاست‌ها و برنامه‌های خود را متناسب با آن تنظیم کنند. ما با هم می‌توانیم تاب‌آوری داشته باشیم و با هم می‌توانیم از این بحران‌ها عبور کنیم و اعتقاد جدی دارم که یکی از عوامل ماندگاری این جامعه و عبور از شرایط، حتما حضور فعال کسب‌وکارها و همکاری آن‌ها برای گذر از بحران است. در این میان یک اصل مهم این است که اکوسیستم کسب‌وکاری هوای همدیگر را داشته باشد و نگذاریم که هرکسی بار سنگین این روزها را به تنهایی به دوش بکشد.

علی حکیم جوادی
رئیس سازمان نظام صنفی رایانه‌ای کشور

نیازمند قوانین پشتیبان ویژه این روزها هستیم

امروزه توجه ویژه به اکوسیستم اقتصاد دیجیتال در شرایط جنگی یک ضرورت استراتژیک است؛ از توزیع کالا تا پرداخت امن و مقابله با حملات سایبری و مدیریت افکار عمومی همه در اکوسیستم اقتصاد دیجیتال می‌تواند به‌عنوان پشتیبان جبهه‌های غیرنظامی عمل کند؛ بنابراین برای حفظ و پشتیبانی از زیرساخت‌های اقتصاد دیجیتال نیاز به تغییر سیاست‌گذاری‌ها به سمت مقررات بحران‌محور به شدت احساس می‌شود.
در شرایط عادی مقررات ممکن است بر کنترل و محدودسازی متمرکز باشد اما در جنگ نیاز به مقررات پشتیبان و تاب‌آوری به شدت احساس می‌شود. تخصیص هوشمند پهنای باند به خدمات حیاتی، حمایت حقوقی از پلتفرم‌های فعال در خدمات اضطراری، اولویت‌بندی انرژی برای مراکز داده، ملاحظات بیمه و مالیات برای ارائه‌دهندگان خدمات، فرصت کافی برای تسویه اقساط تسهیلات بانکی، سهل و روان‌کردن امور گمرگی برای ترخیص تجهیزات زیرساختی از جمله نیازهای فوری این بخش است. امیدوارم ارائه‌دهندگان خدمات در ارائه سرویس و محصولاتشان در این شرایط بحرانی به مردم موفق باشند.

حسین اسلامی
مدیرعامل رمیس

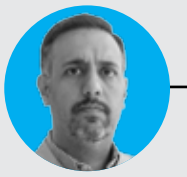

بدنه شرکت‌ها را سرپا نگه داریم

باید جنگ را باور کنیم؛ جنگ اتفاق افتاده و میهن ما مورد حمله واقع شده است. باید باور کنیم که در این شرایط باید فعال باشیم. در این شرایط همه مشتریان و مجموعه‌هایی که با ما همکاری می‌کردند، انتظار دارند که فعالیتمان را مثل قبل از جنگ و یا حتی بهتر از آن زمان، انجام دهیم.
در نقطه‌ای هستیم که فعالان زیست‌بوم نوآوری باید مانند زیست‌بوم‌های سنتی و سایر بخش‌های اقتصادی فعال باشند و مهم است که این محصولات و سرویس‌ها به خوبی کار کنند. حوزه اقتصاد دیجیتال در جنگ مسئولیت بیشتری را برداشته است و در شرایطی که بسیاری از کسب‌وکارها ممکن است نتوانند کار کنند، ما باید پای کشورمان بمانیم.
در شرایط فعلی کشور، آسایش جسمی و روانی همکاران بسیار مهم است و اکنون نوبت مدیران است که در خط مقدم بایستند و اجازه دهند که بدنه شرکت‌ها به هر شکلی که ممکن است سرپا باشند؛ خواه دورکار باشند و یا از مرخصی‌ها استفاده کنند. آنچه در حال حاضر اهمیت دارد آسایش روانی آنهاست.

مجید حسینی نژاد
بنیان‌گذار علی بابا

۵ توصیه برای کسب‌وکارها

برای عبور از این روزهای سخت پنج توصیه به کسب‌وکارها می‌کنم. توصیه‌هایی که باید در نظر داشت تا کسب‌وکارتان زنده بماند. این ۵ مورد عبارتند از:
ادامه خدمت‌رسانی به کاربران به هر قیمتی که شده
حفظ کسب‌وکار برای شرایط بعد از جنگ با هر هزینه و استراتژی که می‌شود
حفظ نقدینگی کسب‌وکارها و آمادگی برای طولانی‌مدت شدن شرایط فعلی
گفت‌وگو با تیم و کارکنان و بیان چالش‌های پیش روی شرکت و جلب همراهی ایشان
برجسته کردن نگاه انسانی در کسب‌وکار و حمایت از نیروهای آسیب‌پذیر در صورت تغییرات اجباری در ساختار منابع انسانی شرکت.
روزهای سختی در پیش داریم اما اعتقاد دارم در کنار هم و با زنده نگه داشتن کسب‌وکارهایمان می‌توانیم دوباره برای ایران کارهای بزرگ بکنیم.

سید حامد قنادپور
مدیرعامل تارا

برای مردم شرایط بهتری را رقم بزنیم

در این شرایط باید در حد توانمان سعی کنیم دغدغه‌های مردم را رفع کنیم. در تارا بر معیشت مردم متمرکزیم و این روزها تمام توانمان را برای رفع دغدغه مردم به کار گرفته‌ایم. لندتک تارا نیز در تلاش است با تمام توان، دغدغه‌های معیشتی مردم را رفع کند. هر یک از ما یک شخصیت حقیقی و یک شخصیت حقوقی داریم. در این شرایط مسئولیت اجتماعی ایجاب می‌کند که دست در دست هم فضای بهتری را برای هم‌وطنانمان رقم بزنیم. امیدوارم همه در کنار هم بتوانیم برای اعتلای ایران تلاش کنیم.

KARANG
کارنگ
راهبرد
STRATEGY
شماره ۱۶۵
۸ تیر ۱۴۰۴
سال پنجم

دیدگاه POINT OF VIEW

بعد از دوازده روز جنگ مبتنی بر فناوری امروز زمان بازنگری و تقویت زیرساخت‌های دیجیتال است

بدون زیرساخت، بی‌دفاعیم

این دوازده روز به ما نشان داد چقدر وابسته‌ایم، چقدر آسیب‌پذیریم و چقدر دیر جنبیده‌ایم. تجربه جدید ما از جنگ تلنگری بود که جنگ فقط در مرزها اتفاق نمی‌افتد؛ گاهی در شبکه‌های اجتماعی، گاهی در کسب‌وکارها، اقتصاد و گاهی در ذهن ما اتفاق می‌افتد و همه این میدان‌ها یک نقطه اشتراک دارند: زیرساخت. در یادداشتی که برای شماره قبل کارنگ نوشتم و در روزها و شب‌هایی که زیر حملات رژیم اسرائیل قرار داشتیم از این نوشتم که معمولاً دولت‌ها و سازمان‌ها پس از پایان دوران جنگ شروع می‌کنند به سرمایه‌گذاری در ارتقای زیرساخت‌ها. امروز که به نظر می‌رسد یک دوره پرفشار جنگ ۱۲ روزه را پشت سر گذاشته‌ایم تقویت زیرساخت‌ها به یک الزام تبدیل شده است. این تجربه ناخوشایند یک‌بار دیگر نشان داد که چقدر زیرساخت‌های ما فرسوده، قدیمی و ناکافی هستند. در روزهایی که خیلی‌ها دنبال راه نجات فوری برای کسب‌وکارهای اقتصاد دیجیتال کشور بودند، من بیش از هر چیز به واژه‌ای فکر کردم که شاید کم‌تر درباره‌اش حرف زده‌ایم؛ اما همه‌چیز به آن بند است: زیرساخت دیجیتال. در اقتصاد دیجیتال ما از زیرساخت دیجیتال صحبت می‌کنیم که خود شامل بخش‌های گوناگونی همچون تجهیزات سخت‌افزاری، زیرساخت‌های نرم‌افزاری، منابع انسانی و ظرفیت مهندسی، قوانین و مقررات و منابع مالی می‌شود. مجموعه‌ای از امکانات فنی، تجهیزاتی و سازمانی که به‌عنوان پایه‌ای برای توسعه اقتصاد دیجیتال و نوآوری عمل می‌کنند. این زیرساخت‌ها مانند ستون فقرات اقتصاد دیجیتال‌اند؛ بدون آن‌ها حتی بهترین اپلیکیشن‌ها و نوآوری‌ها هم نمی‌توانند به‌صورت پایدار و قابل‌اعتماد رشد کنند.
زیرساخت دیجیتال یعنی همان چیزی که باید باشد تا اینترنت پایدار بماند، اپلیکیشن‌ها درست کار کنند، داده‌ها امن بمانند، از صرافی رمزارز دزدی نشود، بانک‌ها شب‌هنگام اختلال نداشته باشند، بیمارستان‌ها، آموزشگاه‌ها، کسب‌وکارهای آنلاین و حتی بازی‌های آنلاین از کار نیفتند.
زیرساخت دیجیتال یعنی دیتاسنترهایی که باید ایمن، به‌روز و قابل اتکا باشند. یعنی تجهیزات سخت‌افزاری و شبکه‌ای که نباید هر ماه خراب شوند. یعنی سکوهای ابری داخلی که بشود به آن‌ها اعتماد کرد، روی آن‌ها چیزی ساخت، توسعه داد و مقیاس‌پذیر شد. یعنی سامانه‌هایی که در لحظات حساس، در اوج مصرف یا تهدید، ما را تنها نگذارند.
وقتی از نوسازی زیرساخت صحبت می‌کنم، فقط از خرید تجهیزات جدید حرف نمی‌زنم. از نیروی انسانی متخصص می‌گویم که بلد باشد کلاد را مهندسی کند، امنیت را طراحی کند، شبکه را نگه دارد. از نیروی انسانی صحبت می‌کنم که بتوان به او اعتماد کرد. از قوانین و سیاست‌هایی می‌گویم که باید دست‌وپای توسعه‌دهنده، مدیر فناوری یا مدیرعامل یک شرکت زیرساختی را نبندد. از مالیات و تعرفه‌هایی می‌گویم که به‌جای تشویق، تنبیه می‌کنند. زیرساخت دیجیتال اگر نوسازی نشود، همه چیز روی هواست. نمی‌شود روی خاک سست برج ساخت. نمی‌شود انتظار داشت استارتاپ یا کسب‌وکاری جهانی شود وقتی پلتفرم‌های داخلی کند و ناپایدار است. نمی‌شود با جهان رقابت کرد وقتی زیرساخت‌های سخت‌افزاری ما به علت قدیمی بودن توان به‌روزرسانی را ندارند. امروز، بعد از یک بحران ملی، ما یک فرصت داریم؛ فرصتی برای بازبینی. فرصتی برای این‌که به‌جای پروژه‌های ویترینی، به سراغ زیربنا برویم. به‌جای توسعه نمایشی، به توسعه زیرپوستی فکر کنیم و این تصمیم سختی است؛ چون زیرساخت دیده نمی‌شود، روی جلد نمی‌رود، تیتر اول نمی‌شود، اما اگر نباشد، همه چیز زمین می‌خورد. من باور دارم که سرمایه‌گذاری روی زیرساخت دیجیتال، سرمایه‌گذاری روی صلح است. روی تاب‌آوری کشور، روی آرامش شبانه مردمی که نگران قطع اینترنت یا عدم دسترسی به حساب بانکی‌شان نیستند. روی آینده‌ای که در آن، جوان ایرانی بتواند از همین‌جا برای دنیا سرویس بسازد، بدون این‌که درگیر کندی، قطعی، یا محدودیت شود. امروز که ما این دوازده روز بدون چشم‌انداز مشخص را از سر گذراندیم و نه‌تنها با ترس از دست دادن جان‌هایمان شب را سحر کردیم؛ بلکه نگران قطع دسترسی‌هایی که داشتیم هم بودیم باید نگذاریم این تجربه تکرار شود. امروز، وقت شهامت است؛ شهامت تصمیم‌گیری برای توسعه‌ای که به چشم نمی‌آید، اما زندگی همه‌مان را نجات می‌دهد.

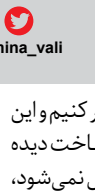

مینا والی
مدیرمسئول
@mina_vali

مک‌دونالد و جنگ بالکان

وقتی درباره شرکت‌های زنجیره‌ای و موفقیت آن‌ها در گسترش فعالیت‌شان به سراسر دنیا صحبت می‌کنیم نباید از نظر دور داشت که بزرگی آن‌ها معمولا باعث می‌شود در جنگ‌ها و درگیری‌های منطقه‌ای همیشه ترکشی هم به آن‌ها بخورد! برای نمونه در دهه نود و در جریان جنگ‌های یوگسلاوی، شرکت مک‌دونالد با چالش‌های بی‌سابقه‌ای روبرو شد که مجبور به تغییر اساسی استراتژی‌هایش شد.

مک‌دونالد اولین شعبه خود را در بلگراد یوگسلاوی در سال ۱۹۸۸ افتتاح کرد و این اولین رستوران مک‌دونالد در یک کشور کمونیستی بود. در آن زمان، شرکت تنها چند شعبه در بلگراد داشت اما زمانی که یوگسلاوی تحت تحریم‌های بین‌المللی قرار گرفت، انتقال پول از طریق بانک‌ها امکان‌پذیر نبود و این شرکت مجبور به استفاده از روش‌های غیرمتعارف شد. مک‌دونالد مجبور شد حتی در برهه‌ای برای تأمین مالی دست به انتقال‌های غیرقانونی پول نقد هم بزند!

شرکت همچنین تصمیم گرفت تا حد امکان رستوران‌هایش را در مناطق امن نگه دارد و از گسترش در مناطق جنگی خودداری کند. استراتژی تأمین مواد اولیه نیز تغییر کرد و بر منابع محلی متکی شد. امروزه وضعیت مک‌دونالد در بالکان متفاوت است. کرواسی حدود ۵۰ رستوران مک‌دونالد دارد و این شرکت در اسلوونی و صربستان نیز حضور دارد. اما کوزوو، مونته‌نگرو، آلبانی، بوسنی و هرزگوین هنوز هیچ رستوران مک‌دونالدی ندارند.

کارنگ KARANG
راهبرد STRATEGY
شماره ۱۶۵
۸ تیر ۱۴۰۴
سال پنجم

فرزین فردیس
عضو هیئت‌رئیسه اتاق بازرگانی تهران

تداوم فعالیت شرکت‌ها یعنی تداوم معنا در زندگی

شاید پرسش «چه می‌شود کرد و چه باید کرد؟» مهم‌ترین سوالی باشد که این روزها از خود می‌پرسیم. فکر می‌کنم درست‌ترین کار، انجام کاری است که به لحظه‌ی اکنون ما معنا می‌بخشد. اگر در صنعتی فعالیت می‌کنیم که نیازهایی از مردم ایران را برطرف می‌سازد؛ صنایعی مانند دارو، درمان، حمل‌ونقل، غذا، پرداخت، بانک و سایر حوزه‌ها، فراموش نکنیم که تداوم این کالاها و خدمات، یعنی تداوم دسترسی مردم به آن‌ها و تداوم معنا در زندگی.
امیدوارم بتوانیم با هم کاری کنیم که نیازهای مردم ایران همواره برآورده شود و کسانی که در انتظار دریافت خدمات و سرویس‌ها هستند، از آن‌ها بهره‌مند شوند.

رضا سمیع زاده
مدیرعامل هلدینگ فاخر

خودمان را برای روزهای سخت آماده کرده‌ایم

هلدینگ فاخر که بر خرده‌فروشی، لجستیک و شرکت‌های پشتیبانی متمرکز است، مدتی است گروه‌های ساختاریافته‌ای را در قالب ۶ کمیته شامل کمیته‌های بین‌الملل، مالی، سرمایه انسانی و دیگر حوزه‌ها ایجاد کرده است. از هفته گذشته که حمله نظامی به ایران اتفاق افتاد، تیم‌های مذکور هر روز و از ساعت ۶:۳۰ صبح در تمام شرکت‌های زیرمجموعه هلدینگ فاخر فعال می‌شوند.
زیرساخت‌های فاخر با کمترین صدمه و اختلال در این شرایط فعال هستند. می‌توان گفت که هلدینگ فاخر یکی از آماده‌ترین مجموعه‌هایی است که با شرایط فعلی کشور خودش را وفق داده است. ما از مدت‌ها قبل برای شرایط بحرانی در دل شرکت‌هایمان آمادگی‌هایی ایجاد کرده بودیم که مرور آن‌ها در این روزها به ما کمک کرده است روان‌تر و آسان‌تر بتوانیم تاب بیاوریم و خدمات‌مان را به مردم عرضه کنیم.

امیر تقی خان تجریشی
رئیس هیئت مدیره گروه مالی فیروزه

هر هزینه‌ای که قابل حذف است را کنار بگذارید

در نقطه‌ای قرار داریم که باید جریان نقد و هزینه‌های بنگاه‌هایمان را محاسبه کنیم و تمام هزینه‌هایی که بدون آن‌ها هم می‌توانیم کسب‌وکارمان را سرپا نگه داریم، حذف کنیم. درنتیجه، تمامی هزینه‌هایی که می‌توانیم در کسب‌وکارمان حذف کنیم، باید حذف شود. بخش‌های توسعه‌ای تا حد زیادی از اولویت کسب‌وکارها باید خارج شود و دیگر نباید نگران رشد و توسعه محصول بود.
اکنون مهم‌ترین نکته برای کسب‌وکارها تاب‌آوری است. اینکه بتوانید مسیری را در پیش بگیرید که کسب‌وکارتان را حفظ کنید و برای روزهایی که بحران تمام شد زنده بمانید یکی از مهم‌ترین کارهایی است که هر مدیر در کسب‌وکارش باید برای تحقق و موفقیت آن تلاش کند.

تحلیل
ANALYSIS

صنعت غذایی کشور
هیچ‌وقت کم نیاورده است!

یادداشتی از علیرضا مروت‌پور بنیان‌گذار نان‌آوران

امروز مسئولیت بسیار سنگینی بر دوش صنعت غذاست. این صنعت همیشه در برهه‌های حساس کشور خودش را ثابت کرده است. در ایام انقلاب، در جنگ تحمیلی و در مواجهه با تحریم‌های ظالمانه و اکنون؛ هرگز مواد غذایی کم نبوده است. اگر در زمان‌هایی هم مردم نتوانسته‌اند محصولی را بخرند، علتش تورم بوده نه اینکه مواد غذایی در ایران نبوده یا تولید نمی‌شده است. ماهیت صنعت غذا همیشه این بوده که پای مردم ایران در شرایط مختلف مانده و نیازهای آن‌ها را برطرف کرده است. مردم ایران شرافتمندانه پای بحران‌ها، بمب و موشک‌های وطنشان ایستاده‌اند و می‌دانیم که تا آخرین لحظه هم می‌مانند. تولیدکنندگان هم باید بایستند؛ ایران برای ماست. شایسته این ملت نیست که حداقل در زمینه صنعت غذا دچار مشکل شود اما دولت هرگز دست صنایع تولیدی را نگرفته است و ما درخواست داریم که حداقل در این شرایط پای ما را نگیرد.

بعد از ۱۲ روز جنگ چیزی که روشن شده این است که مردم و دولت به صنعت غذا نیاز دارند. زمانی که مردم خانه و کاشانه خود را به مقصد شهرهای گوناگون ترک کردند پراکندگی انبوه جمعیت در مناطق مختلف برای عرضه‌کنندگان و تولیدکنندگان قابل پیش‌بینی نبود و حتی به دلیل مشکلات عرضه سوخت توزیع مواد غذایی سخت‌تر هم شد اما درنهایت تولیدکنندگان از پس این چالش برآمدند. اگرچه چالش‌های صنایع تولیدی به روزها جنگ و شرایط غیر عادی در کشور محدود نیست اما وضعیت فعلی، چالش‌ها را دو چندان و صنعت را بیش از پیش درگیر کرده است.

از نظر من افرادی که در صنایع تولیدی ایران فعالیت می‌کنند، از گرفتارترین افراد کشور هستند. آن‌ها از یک طرف با قوانین دست‌وپاگیر و تعزیرات روبرو هستند و باید پاسخگوی نهادهای ذی‌ربط باشند، از سوی دیگر افزایش قیمت هم خریداران را معترض می‌کند.

شرایط دشوار است و یکی از دغدغه‌های این روزها کسب‌وکارها تامین نقدینگی است اما این را هم در نظر داشته باشیم که شرکت‌ها همیشه باید برنامه‌ریزی مالی داشته باشند که حداقل یک بازه زمانی ۱۲ روزه که جنگ شد با مشکل نقدینگی مواجه نشوند. در این مدت کوتاه هم صنعت تولیدی ایران با موضوعی روبرو شد که با آن آشنا نبود: کار نکردن بانک‌ها و در پی آن از کار افتادن برخی کارتخوان‌ها. وجه نقد هم که سال‌هاست از معاملات بازار حذف شده است. تولیدکننده‌ها پس از تولید محصول باید تولیداتشان را به بازار عرضه کنند اما وقتی نتوانند در ازای آن وجهی دریافت کنند چالش بزرگی است که باید دولت برای آن چاره‌اندیشی کند.

تمام صنایع کشور از جمله صنعت غذا به دلیل مشکلات تامین انرژی، از ابتدای سال ۱۴۰۳ با بحران مواجه‌اند. در صنعت غذا این مشکلات چشمگیر است. صنعت غذا نمی‌تواند به دلیل مشکلات مذکور کارش را متوقف کند و بگوید از دو روز دیگر فعالیت را از سر می‌گیریم.

تولیدکنندگان باید بایستند؛ ایران برای ماست. شایسته این ملت نیست که در زمینه صنعت غذا دچار مشکل شود اما دولت هرگز دست صنایع تولیدی را نگرفته است

خسارات ناشی از مشکلات تامین انرژی را نباید نادیده گرفت. در فرآیند تولید نان در هر مرحله‌ای که باشیم و برق قطع شود، مواد اولیه از بین خواهند رفت یا مازاد خواهند شد. درمجموع باید بگویم خسارت‌های وارده به صنایع کلان است و حتی شرکت‌های بزرگ با سیلی صورتشان را سرخ نگه داشته‌اند.

در نظر داشته باشید که تولیدکنندگان صنعتی می‌توانند قیمت کالای خود را افزایش دهند اما تولیدکنندگان روز مانند تولیدکنندگان مواد غذایی نمی‌توانند روزانه قیمت کالای خود را افزایش دهند. قیمت روی کالا ثبت می‌شود و در صورت افزایش قیمت‌ها باید با دعوا و صبر قیمت کالا را افزایش دهند. اما موضوع این است که در این شرایط صدای مردم درمی‌آید و البته که حق دارند؛ مشکلات مردم آنقدر زیاد است که دیگر از مشکلات صنعت غذا خبر ندارند.

در این نقاط است که دولت باید کمک حال صنعت باشد که متاسفانه به دلایل مختلف مثل بی‌برنامگی و نشاندن افراد ناوارد در صندلی‌ها، دولت نتوانسته بحران بین تولید و عرضه را رفع کند.

کشور ما در حال حاضر با کمبود بسیار زیاد سرمایه انسانی روبرو است و تداوم وضعیت جنگی موجی از ناامیدی را برای سرمایه‌های انسانی که مانده‌اند در پی خواهد داشت. در بخش تولیدی چالش منابع انسانی تفاوت‌های دیگری هم با سایر صنایع دارد. از یک سو اتباع خارجی بی‌برنامه وارد کشور شدند و بی‌برنامه هم آنها را باز می‌گردانیم و این بی‌برنامه‌گی منابع انسانی تولید را دچار چالش بزرگی کرده است. اگر برنامه‌ریزی وجود داشت ما باید از وجود همین اتباع براساس استانداردهای جهانی استفاده می‌کردیم. این‌ها می‌روند و مطمئن باشید کار بسیاری از صنایع خواهد خوابید چراکه در بسیاری از صنایع کارگر ایرانی وجود ندارد. بخش دیگری از سرمایه‌های انسانی هم افراد تحصیل‌کرده‌ای هستند که دانسته یا نادانسته، به‌حق یا ناحق ایران را ترک کرده‌اند. آن هم به مقصدهای نادرست. آن تعدادی هم که مانده‌اند اگر کاربلد باشند، میان شرکت‌ها با دستمزد بالاتر جابه‌جا می‌شوند! اینجاست که شرکت‌هایی که ثروت و آبرویشان در گرو تولید است باید برای داشتن سرمایه‌های انسانی التماس کنند و به نهادها و دولت‌ها هم پاسخگو باشند. با تمام این شرایط و سختی‌های فعالیت در صنایع تولیدی ایران، هیچ‌کجا بهتر از کشور خودمان برای خدمت‌رسانی به مردم نیست. امیدوارم مسئولین این را درک و با بخش تولید همراهی کنند.

راهبرد
STRATEGY

شماره ۱۶۵
۸ تیر ۱۴۰۴
سال پنجم

چرا باید به تولیدکنندگان ایرانی آفرین گفت؟

جنگ بر سر غذا

وقتی صحبت از اهمیت امنیت غذایی در کشور در روزهای گذشته و کار بزرگی که شرکت‌های ایرانی در این زمینه انجام دادند می‌زنیم بد نیست نگاهی به تجربه جنگ‌ها در دیگر کشورها داشته باشیم تا متوجه شویم کارآفرینان ایرانی چه کار بزرگی کرده‌اند. برای نمونه در دوران جنگ اوکراین و روسیه، تولیدکنندگان گندم در اروپا با تحولات عمیقی روبرو شده‌اند. اوکراین به عنوان یکی از صادرکنندگان بزرگ غلات، کاهش چشمگیری در صادراتش تجربه کرده که باعث نگرانی‌های جدی در زمینه امنیت غذایی شد.

نکته جالب اینکه تولیدکنندگان اوکراینی با چالش‌های بی‌سابقه‌ای مواجه هستند. سربازگیری و جابجایی جمعیت باعث کمبود نیروی کار شده، دسترسی به کودها محدود شده و برداشت از مزارع در هر فصل تا روزهای آخر معمولا نامعلوم و بدون برنامه است. بسیاری از مزارع در مناطق جنگی متروک شده یا تخریب شده‌اند. در مقابل، تولیدکنندگان گندم در سایر کشورهای اروپایی نظیر فرانسه، آلمان و لهستان از افزایش قیمت‌ها سود برده‌اند. آنها تلاش می‌کنند تا خلاء بازار را پر کنند اما با محدودیت‌های تولید و هزینه‌های بالای کود مواجه هستند.

وضعیت نابرابر ایجاد شده؛ در حالی که تولیدکنندگان اوکراینی در مبارزه برای بقا هستند، همتایان اروپایی آنها با فرصت‌های جدید بازار اما چالش‌های تأمین نهاده مواجه‌اند. این جنگ ساختار صنعت غذای اروپا را برای سال‌ها متحول کرده است.

سازمان فناوری اطلاعات اعلام کرد

تمدید خودکار مجوزهای فناوری اطلاعات تا پایان تابستان

سازمان فناوری اطلاعات ایران اعلام کرد تمامی مجوزهای فعالیتی که اعتبار آن‌ها در بازه زمانی ۲۴ خرداد تا ۳۱ تیر ۱۴۰۴ به پایان می‌رسد، به‌صورت خودکار تا پایان تابستان تمدید می‌شوند.

به گزارش روابط عمومی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، محمدمحسن صدر، رئیس سازمان فناوری اطلاعات ایران، با اعلام این خبر گفت: «در راستای تسهیل شرایط کسب‌وکار برای شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات فناوری اطلاعات و با موافقت مراجع ذی‌ربط، اعتبار مجوزهای فعالیت در حوزه‌های مختلف تا ۳۱ شهریور ۱۴۰۴ تمدید شده و دارای اعتبار خواهد بود.»

صدر با اشاره به خدماتی که این مجوزها را شامل می‌شوند، افزود: «این مجوزها مربوط به حوزه‌هایی همچون امنیت، تأییدیه نرم‌افزار، مراکز داده، آزمایشگاه‌ها و سایر خدمات مرتبط است.»

معاون وزیر ارتباطات همچنین تأکید کرد: «سازمان فناوری اطلاعات ایران بر اساس اسناد و راهبردهای ملی، مأموریت دارد با هدف حمایت از ارائه خدمات تخصصی در حوزه فناوری اطلاعات و امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات، شرکت‌های متقاضی را ارزیابی کرده و برای آن‌ها پروانه فعالیت صادر کند.»

او هدف از این اقدام را حمایت از شرکت‌های فعال در این حوزه و کاهش دغدغه‌های اجرایی آن‌ها در شرایط کنونی دانست. این تصمیم می‌تواند نقش موثری در تداوم فعالیت کسب‌وکارهای حوزه فناوری اطلاعات و جلوگیری از وقفه در ارائه خدمات ایفا کند

۱۰
KARANG
کارنگ
اینترنت
INTERNET
شماره ۱۶۵
۸ تیر ۱۴۰۴
سال پنجم

نصرتهـ

سیبل بوم رنگ اینترنـ

در هفته گذشته و با ادامه‌دار شدن محدودیت‌های گسترده بر اینترنت بین‌الملل به دلیل شرایط اضطراری کشور، سازمان نظام صنفی رایانه‌ای استان تهران (نصر) فرایندی را برای دسترسی شرکت‌های عضو خود به اینترنت تعریف کرد که به یکباره با نقدهای بسیار تندی از گوشه و کنار اکوسیستم مواجه شد. این اقدام به گفته سازمان نصر تهران با هدف حمایت از تداوم فعالیت کسب‌وکارهای فناوری اطلاعات در شرایطی انجام شده بود؛ شرکت‌هایی که بسیاری از آن‌ها با اختلالات جدی در زیرساخت‌های ارتباطی و مشکلات مالی مواجه بودند. با وجود انتقادات تند در شبکه اجتماعی ایکس، که این طرح را «اینترنت طبقاتی» نامیدند، واقعیت این است که راهبرد نصر تهران چقدر درست بوده یا نه موضوع اساسی که نباید در این دعواهای توییتری و تسویه‌حساب‌های صنفی گم شود این است که کسب‌وکارهای دیجیتال برای ادامه فعالیت و حفظ خدمات حیاتی خود به اینترنت پایدار نیاز دارند. در این گزارش تلاش کرده‌ایم ماجرا را یکبار بدون قضاوت بازخوانی کنیم و ببینیم چطور شد که تلاش صنفی نصر تهران به ضد خودش تبدیل و برچسب اینترنت طبقاتی به یقه این سازمان چسبید.

ضربه محدودیت‌های اینترنتی به اقتصاد دیجیتال

در اوایل تیرماه ۱۴۰۴، تشدید شرایط امنیتی و جنگی در ایران منجر به اعمال محدودیت‌های گسترده بر دسترسی به اینترنت بین‌الملل شد. این محدودیت‌ها، که به‌عنوان بخشی از تصمیمات کلان ملی اعلام شدند، تأثیرات مخربی بر اکوسیستم فناوری اطلاعات گذاشتند. شرکت‌هایی که برای ارائه خدمات، ارتباطات بین‌المللی، توسعه نرم‌افزار یا انجام تراکنش‌های مالی به اینترنت وابسته‌اند، با چالش‌های بی‌سابقه‌ای مواجه شدند. استارتاپ‌های کوچک، شرکت‌های توسعه نرم‌افزار و پلتفرم‌های دیجیتال همگی در معرض خطر توقف فعالیت، زیان‌های مالی شدید و اخراج کارکنان قرار گرفتند.

بر اساس این طرح، شرکت‌های دارای عضویت معتبر می‌توانند از طریق پورتال رسمی نصر، فرم تعهدنامه‌ای را تکمیل و درخواست دسترسی به اینترنت را ثبت کنند

این محدودیت‌ها نه‌تنها به فعالیت‌های روزمره شرکت‌ها آسیب زد، بلکه زنجیره‌ای از مشکلات را به دنبال داشت. برای مثال، پلتفرم‌های تجارت الکترونیک نمی‌توانستند سفارشات را پردازش کنند، شرکت‌های توسعه نرم‌افزار قادر به به‌روزرسانی پروژه‌های بین‌المللی نبودند و خدمات دیجیتال مانند حمل‌ونقل آنلاین و آموزش مجازی با اختلالات جدی مواجه شدند. این وضعیت، اقتصاد دیجیتال ایران را که در سال‌های اخیر رشد چشمگیری داشته، در آستانه فروپاشی قرار داد. در این شرایط بحرانی، سازمان نظام صنفی رایانه‌ای تهران (نصر) اعلام کرد که برای حمایت از شرکت‌های عضو خود، فرایندی را برای دسترسی به اینترنت بین‌الملل طراحی کرده است. بر اساس این طرح، شرکت‌های دارای عضویت معتبر می‌توانند از طریق پورتال رسمی نصر، فرم تعهدنامه‌ای را تکمیل و درخواست دسترسی به اینترنت را ثبت کنند. این دسترسی با شروطی مانند استفاده از IPهای رسمی، رعایت استانداردهای امنیتی و تعهد به فعالیت‌های قانونی و حرفه‌ای همراه است. هدف اعلام‌شده این طرح، حفظ جریان خدمات دیجیتال و جلوگیری از فروپاشی بخشی از اقتصاد کشور اعلام شد. اما در روزهایی که تقریبا دسترسی همه کاربران و مردم به اینترنت بین‌الملل دچار اختلال و کندی و قطعی شده بود راهبرد در ظاهر همدلانه نصر با واکنش‌های بسیار تند و شدید مواجه و اینگونه تعبیر شد که هیئت‌مدیره هفتم نصر تهران تلاش دارد اینترنت طبقاتی را عادی‌سازی کند.

اقدام نصر با نیت تداوم فعالیت شرکت‌ها

سازمان نصر می‌گوید به‌عنوان نماینده صنف فناوری اطلاعات، وظیفه دارد از منافع اعضای خود دفاع کند. در شرایطی که محدودیت‌های اینترنتی، فعالیت شرکت‌ها را به خطر انداخته بود، نصر در تلاش بوده تا فرایندی را طراحی کند که به شرکت‌های عضوش امکان دهد حداقل دسترسی لازم به اینترنت را برای ادامه فعالیت‌های حرفه‌ای خود داشته باشند. این فرایند شامل ثبت درخواست در پورتال نصر، امضای تعهدنامه و رعایت الزاماتی مانند استفاده از IPهای رسمی و استانداردهای امنیتی است. نصر تاکید کرد که اطلاعات شرکت‌ها محرمانه باقی خواهد ماند و البته در صورت تخلف در استفاده غیرکسب‌وکاری از اینترنت، دسترسی قطع و موضوع به مراجع قانونی ارجاع خواهد شد. علی حکیم‌جوادی، رئیس سازمان نصر، در توضیح این طرح گفت: «در شرایطی که زیرساخت‌های ارتباطی مختل شده و شرکت‌ها با مشکلات مالی مواجه‌اند، وظیفه ما حمایت از تداوم فعالیت آن‌هاست. این اقدام برای حفظ زنجیره اقتصاد دیجیتال و جلوگیری از خسارت‌های گسترده طراحی شده است.» او تأکید کرد که نصر همواره مدافع

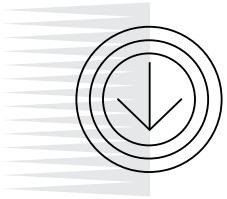

سقف انتقال وجه کارت به کارت در اپلیکیشن ۷۲۴ دوبرابر شد

امکان انتقال وجه تا مبلغ ۱۰ میلیون تومان

با دو برابر شدن سقف کارت به کارت در اپلیکیشن ۷۲۴، امکان انتقال وجه تا مبلغ ۱۰ میلیون تومان برای هر کارت بانکی فراهم شده است. این قابلیت جدید با همکاری بانک مرکزی و شرکت شاپرک و با هدف پاسخ به نیازهای روز و بهبود تجربه کاربران اپلیکیشن ۷۲۴ اجرایی شده است.

سقف مجاز کارت به کارت، تا پیش‌ازاین، حداکثر ۵ میلیون تومان بود که با این به‌روزرسانی، کاربران می‌توانند روزانه تا دوبرابر این مبلغ را به‌صورت مستقیم از مبدأ هر بانک به مقصد کارت سایر بانک‌ها منتقل کنند.

اپلیکیشن ۷۲۴، بستری دیجیتال و امن برای پرداخت هوشمند است که هم‌اکنون با ۱۵ میلیون نصب فعال، به‌عنوان یک سوپراپلیکیشن مالی، طیف گسترده‌ای از خدمات پرداخت شامل کارت به کارت، چک صیادی، پرداخت قبوض، خرید شارژ و بسته اینترنت، تسویه بدهی خودرو و... را به کاربران ارائه می‌دهد.

افزایش سقف انتقال وجه در اپلیکیشن ۷۲۴، گامی تازه در مسیر توسعه خدمات دیجیتال مالی است که با هدف تسهیل دسترسی کاربران به ابزارهای سریع و امن در جهت ارتقای رفاه مالی عملیاتی شده است.

۷۲۴

کارنگ KARANG

اینترنت INTERNET

شماره ۱۶۵
۸ تیر ۱۴۰۴
سال پنجم

گزارش REPORT

...ران ...ت طبقاتی

اقدام نصر برای دسترسی برخی شرکت‌ها به اینترنت بین‌الملل با انتقادات تند در شبکه اجتماعی ایکس مواجه شد؛ ماجرا چه بود... فارغ از نقدهای توییتری سوال اساسی این است که آیا طرح نصر واقعا عادی‌سازی «اینترنت طبقاتی» است یا تلاش‌هایی هرچند کم‌اثر برای نجات اقتصاد دیجیتال؟

دسترسی آزاد و پایدار به اینترنت بوده، اما در شرایط کنونی، اولویت با حفظ فعالیت شرکت‌هایی است که به‌طور قانونی و حرفه‌ای فعالیت می‌کنند. حکیم‌جوادی این طرح را با دیگر اقدامات حمایتی نصر مقایسه کرد و افزود: «ما در حال مذاکره با نهادهای مسئول برای تعویق پرداخت مالیات و تنفس بیمه‌ای هستیم. این اقدامات هم برای حمایت از شرکت‌هاست. آیا این‌ها تبعیض تلقی می‌شوند؟» او همچنین خاطرنشان کرد که نصر مسئول سیاست‌گذاری عمومی اینترنت نیست و تنها در چارچوب وظایف صنفی خود عمل می‌کند. اما به نظر می‌رسد این توضیحات چندان برای منتقدانی که اصل این طرح را رواج اینترنت طبقاتی و ساختن لیست‌های سفید می‌دانند چندان قانع‌کننده نبوده است.

انتقادات در ایکس؛ اینترنت طبقاتی یا سوءتفاهم؟

اعلام این طرح در شبکه اجتماعی ایکس با موجی از انتقادات همراه شد. بسیاری از کاربران، این طرح نصر تهران را «اینترنت طبقاتی» نامیدند و معتقد بودند که نصر با اختصاص اینترنت به شرکت‌های عضو، امتیاز ویژه‌ای به آن‌ها می‌دهد، در حالی که عموم مردم با محدودیت‌های شدید مواجه‌اند. برخی نصر را به «کارتل‌سازی» متهم کردند و خواستار انتشار اسامی شرکت‌های بهره‌مند شدند تا شائبه رانت از بین برود.

عده‌ای دیگر با اشاره به شرایط جنگی، پرسیدند چرا به جای این طرح، راهکارهایی مانند استفاده از فناوری‌هایی مثل استارلینک برای کل جامعه در نظر گرفته نشده است.

این انتقادات تا حدی قابل فهم است. در شرایطی که دسترسی عمومی به اینترنت محدود شده، هرگونه اولویت‌بندی می‌تواند به احساس نابرابری دامن بزند. به‌ویژه در ایران، که سابقه محدودیت‌های اینترنتی به حساسیت‌های اجتماعی منجر شده، چنین اقداماتی به‌سرعت مورد قضاوت قرار می‌گیرند. عدم انتشار جزئیات طرح، مانند معیارهای انتخاب شرکت‌ها یا تعداد شرکت‌های بهره‌مند، حجم و شکل این انتقادات را تشدید کرد.

حکیم جوادی تأکید کرد که نصر همواره مدافع دسترسی آزاد و پایدار به اینترنت بوده، اما در شرایط کنونی، اولویت با حفظ فعالیت شرکت‌هایی است که به‌طور قانونی و حرفه‌ای فعالیت می‌کنند

با کمک هوش مصنوعی گراک سمت‌وسوی کلی واکنش‌ها در ایکس را تحلیل و مهم‌ترین کلیدواژه‌هایی که بازتاب چندصدهزارتایی توییت نصر در این موضوع در دل خود داشته را استخراج کرده‌ایم. کاربران در کامنت‌ها و نقل‌قول‌ها، این طرح را به اتهاماتی چون «بی‌شرفی»، «خیانت به ارزش‌ها» و «همراهی با سانسور» محکوم کردند. برای مثال، کاربری نوشت: «تأکید کنید شرکت‌های عضو متقاضی اینترنت بین‌الملل... حتماً زیر فرم بنویسند: فقط خودم، گور... هم‌وطن» که با طنز تلخ به تبعیض اشاره دارد. دیگرانی مانند محمدعلی جنت‌خواه نصر هم در توییتی موضوع را به شرف و صنف آی‌تی کشانده و عبارت تندی را به کار برده که از نوشتن آن معذوریم! کاربری دیگر هم از همراهی نصر با محدودیت‌ها به‌جای اعتراض انتقاد کرده است. حدود ۴۰٪ از واکنش‌ها توهین‌آمیز، ۳۰٪ بر تبعیض و اینترنت طبقاتی متمرکز، ۲۰٪ ناظر بر ناکارآمدی و سوءمدیریت، و ۱۰٪ درباره انگیزه‌های رییس نصر برای اجرایی کردن این طرح بودند. این واکنش‌ها که ریشه در قطعی‌های مکرر اینترنت (مانند سال ۹۸ و ۱۴۰۱) و بی‌اعتمادی به نهادها دارند، نشان‌دهنده شکاف عمیق بین جامعه و سیاست‌های صنفی است. عده‌ای تاکید کرده‌اند اگر نصر نتواند این شکاف را با شفافیت و گفت‌وگو پر کند، ممکن است اعتبار خود را از دست بدهد. علاوه بر این، ادامه احساس نابرابری می‌تواند به تنش‌های اجتماعی بیشتری منجر شود.

اقتصاد دیجیتال ایران، که بخش مهمی از رشد اقتصادی کشور را تشکیل می‌دهد، بدون اینترنت نمی‌تواند دوام بیاورد. اقدام نصر برای دسترسی شرکت‌های عضو به اینترنت بین‌الملل تلاشی برای حفظ این اکوسیستم در برابر بحران است. هرچند انتقادات مطرح‌شده در ایکس نگرانی‌های مشروعی درباره برابری دسترسی را نشان می‌دهند، اما نباید فراموش کرد که کسب‌وکارهای فناوری به دلیل نقش کلیدی‌شان در اقتصاد و خدمات عمومی، به اینترنت به‌عنوان اکسیژن حیات خود نیاز دارند. نصر اعتقاد دارد در چارچوب وظایف خود عمل و با طراحی فرایندی تلاش کرده تا از فروپاشی بخشی از اقتصاد دیجیتال جلوگیری کند. با این حال، این سازمان حالا بیش از اینکه توانسته باشد مشکل شرکت‌ها را حل کند باید با ارتباط بهتر با جامعه و ارائه جزئیات بیشتر، از سوءتفاهم‌های بیشتر پیشگیری کند. شاید این ماجرا فرصتی است تا سیاست‌گذاران، نهادهای صنفی و جامعه مدنی با گفت‌وگوی سازنده، راهکارهایی برای دسترسی پایدار مردم و کسب‌وکارها به اینترنت طراحی کنند. تا آن زمان، حمایت از کسب‌وکارهای فناوری گامی ضروری برای حفظ آینده اقتصاد ایران در عصر دیجیتال است.

شماره ۱۶۵
۸ تیر ۱۴۰۴
سال پنجم

مدیریت بحران به سبک بهسازان ملت

محمد صادقی در گفت‌وگو با کارنگ از حفظ زیرساخت‌ها و حمایت از منابع انسانی در شرایط سخت می‌گوید

در شرایط پیچیده و چالش‌برانگیز کنونی، تصمیم‌گیری‌های استراتژیک سازمان‌ها نقشی کلیدی در حفظ پایداری و تداوم فعالیت‌هایشان ایفا می‌کند. محمد صادقی، مدیرعامل شرکت بهسازان ملت در گفت‌وگو با کارنگ به بررسی تصمیمات ضروری و پرهیزهای لازم برای کسب‌وکارها در چنین شرایطی

گفت‌وگو با حمیدرضا احمدی، مدیرعامل ایوند، درباره راهبردهای موثر برای کسب‌وکارها در شرایط جنگی

ایوند و ۱۲ روز سخت...

در شرایط کنونی، ایران با چالش‌های متعددی مواجه است که کسب‌وکارها، به‌ویژه در حوزه فناوری و استارتاپ‌ها را تحت فشار قرار داده است. ناپایداری‌های اقتصادی، قطعی گسترده اینترنت، محدودیت‌های دسترسی به ابزارهای آنلاین و نگرانی‌های روانی ناشی از شرایط بحرانی، فعالیت‌های روزمره شرکت‌ها را به‌شدت مختل کرده است. این وضعیت نه‌تنها بر بهره‌وری کسب‌وکارها تأثیر گذاشته، بلکه کارکنان را نیز با فشارهای روانی و مالی مواجه ساخته است. در این میان، استارتاپ‌هایی مانند ایوند که به زیرساخت‌های دیجیتال وابسته‌اند، با چالش‌های مضاعفی روبه‌رو شده‌اند. در این گزارش، گفت‌وگویی با حمیدرضا احمدی، مدیرعامل ایوند، انجام شده تا تأثیر این شرایط بر کسب‌وکارها و به‌ویژه شرکت ایوند بررسی شود.

آیا نوآوری در اقتصاد دیجیتال ایران بعد از بحرانی که تجربه کردیم، می‌میرد یا دوباره متولد می‌شود؟

وقتی نوآوری «باید» تغییر چهره بدهد

مینا حاجی
سردبیر ماهنامه عصر تراکنش
minaaahaaji@gmail.com

چند روزی از آتش‌بس گذشته، اما خاطرات آن روزها هنوز در ذهنم زنده و روشن است. روزهایی که ناگهان همه‌چیز تار و مبهم شد؛ دسترسی‌ها محدود و اینترنت قطع شد و ارتباطات به‌طور ناقص برقرار بود. روزهایی که به‌جای رفتن به دفتر کار یا برنامه‌ریزی برای هفته پیش رو، پر از تماس‌های نگران‌کننده بودیم و شب‌هایی که به‌جای تماشای ماه زیبای خرداد، آسمان شهر پر از نور موشک‌ها و پدافندها بود. روزهایی که شاهد از دسترس خارج شدن برخی از سرویس‌های کسب‌وکارهای نوآور بودیم؛ پلتفرم‌هایی که یا کاملاً قطع شدند، یا به‌سختی فعال بودند، و حتی برخی کسب‌وکارهای کوچک و متوسطی را دیدیم که تصمیم گرفتند برای مدتی فعالیت خود را متوقف کنند. حالا چند روزی از آن هیاهو گذشته و در این سکوتِ نسبی، چند سؤال در ذهنم می‌چرخد: آیا نوآوری در اقتصاد دیجیتال ایران، با همه زخم‌هایی که خورده، هنوز زنده است؟ یا باید برای مدتی طولانی با ایده‌های تازه خداحافظی کنیم و فقط به بازسازی زیرساخت‌های آسیب‌دیده بسنده کنیم؟ آیا باید نوآوری را فعلاً کنار بگذاریم و روی بقا تمرکز کنیم؟ یا برعکس، همین حالا وقتِ نوآوری است، برای ساختن مسیری تازه؟

راستش را بخواهید، جواب مشخصی ندارم. نه با ذهنی ناامید این‌ها را می‌نویسم و نه با نگاهی رؤیایی. چیزی که فکر می‌کنم این است که نوآوری همیشه محصول دوران آرامش نیست. بعضی وقت‌ها دقیقاً وسط بحران، وسط ترس و فشار و تاریکی، جرقه‌هایی زده می‌شود که مسیر تازه‌ای را روشن می‌کند. مثل دورانی که کرونا همه‌چیز را متوقف کرد، اما خیلی‌ها همان‌جا تازه شروع به فعالیت کردند. شاید حالا هم چنین فرصتی پیش‌رویمان باشد؛ البته اگر بخواهیم، اگر دوام بیاوریم و اگر فقط به گذشته فکر نکنیم.

در این میان، گزارش‌های تحلیلی مثل آنچه مک‌کنزی منتشر کرده، قابل تأمل‌اند. مک‌کنزی معتقد است که تصمیم به عقب‌نشینی از نوآوری در شرایط بحران، گرچه در ظاهر منطقی به نظر می‌رسد، اما در عمل می‌تواند یک اشتباه راهبردی بزرگ باشد. شرکت‌هایی که در دل بحران هم روی نوآوری سرمایه‌گذاری کرده‌اند، نه‌تنها توانسته‌اند خودشان را با تغییرات هماهنگ کنند، بلکه بعد از بحران هم با شتاب بیشتری رشد کرده‌اند.

اما خب، ماجرا همیشه به این سادگی نیست و واقعیتمان را هم نمی‌شود نادیده گرفت. در همین دو هفته اخیر فهمیدیم که چقدر زیرساخت‌های کسب‌وکارها حتی کسب‌وکارهای پیشروی کشور شکننده‌اند. اختلال در سرورها، حملات سایبری متعدد و... همه این‌ها یک چیز را فریاد می‌زنند و آنکه کسب‌وکارهای نوآور ما بیش از هر زمان دیگری به امنیت، تاب‌آوری و سرمایه‌گذاری زیرساختی نیاز دارند.

برای همین است که کمی مردد شده‌ام. با اینکه با حرف مک‌کنزی درباره اهمیت نوآوری در زمان بحران تا حد زیادی موافقم، اما فکر می‌کنم در ایرانِ امروز، تعریف نوآوری بعد از شرایطی که تجربه کردیم، باید تغییر کند. شاید دیگر نباید انتظار داشته باشیم کسب‌وکارها بلافاصله به فکر محصول جدید و ایده‌های شگفت‌انگیز بیفتند. شاید نوآوری این روزها، یعنی ساختن یک زیرساخت امن‌تر، مقاوم‌تر و باثبات‌تر. نوآوری، شاید فعلاً یعنی تاب‌آوری!

پس اگر بخواهم خلاصه کنم، نه، فکر نمی‌کنم باتوجه‌به شرایط بحرانی که در کشور تجربه کردیم، نوآوری در کسب‌وکارهایمان بمیرد. اما ممکن است چهره‌اش برای مدتی عوض شود. دیگر نباید نوآور بودن را فقط در قالب یک سرویس چشمگیر یا یک کمپین پر سروصدا ببینیم. دیگر شاید تا مدت‌ها خبری از آن عکس‌های یادگاری و رونمایی‌های پرطمطراق نباشد. شاید مدتی باید توقعمان را از نوآوری پایین بیاوریم.

حالا، نوآوری داشتن در کسب‌وکارهای اقتصاد دیجیتال کشور شاید به معنی امن‌سازی، بازسازی و آماده‌سازی برای فردایی که هنوز نیامده باشد که اگر بیاید، نباید دوباره غافلگیرمان کند. البته که عمیقاً معتقدم سرمایه‌گذاری جدی روی امنیت سایبری، همین حالا هم یکی از نوآورانه‌ترین تصمیم‌هایی است که یک کسب‌وکار می‌تواند بگیرد؛ به‌شرط آنکه این امنیت نه از سر ترس، بلکه از جنس آینده‌نگری باشد. به‌شرطی که به‌جای چسب‌زدن روی شکستگی‌ها و زخم‌ها، تصمیم بگیریم سازه جدیدی بنا کنیم؛ سازه‌ای که اگر بحران بعدی هم رسید، این‌بار ما آماده‌تر و مقاوم‌تر باشیم.

پرداخته است. به‌ویژه اقداماتی که کسب‌وکارهای فعال در حوزه زیرساخت‌های بانکی و پرداخت باید در پیش بگیرند که هم بحران و شرایط خاص این روزها رو سریع‌تر و کم‌هزینه‌تر پشت سر بگذارند و هم بتوانند پایداری خدمات و محصولات خود را حفظ کنند.

در شرایط کنونی، شرکت‌ها چه تصمیماتی باید اتخاذ کنند و از چه تصمیماتی باید پرهیز کنند؟ باتوجه‌به حوزه فعالیت بهسازان ملت و شرایط خاص کشور، چه اقداماتی در این راستا انجام شده است؟

ما این روزها در شرکت بهسازان ملت که وظیفه ارائه زیرساخت‌های بانکی را بر عهده دارد، فعالیت‌های خود را به دو بخش اصلی تقسیم کرده‌ایم: مدیریت منابع انسانی و حفظ پایداری و پشتیبانی سیستم‌ها. در حوزه منابع انسانی، مهم‌ترین اولویت ما توجه ویژه به کارکنان است. در شرایط دشواری که خانواده‌ها با مشکلات متعددی مواجه‌اند، نباید بر کارکنان سخت‌گیری کرد. به همین دلیل، ما حمایت گسترده‌ای از منابع انسانی خود انجام داده‌ایم و هم‌زمان آن‌ها را به انجام وظایفشان ترغیب کرده‌ایم.

کارکنانی که حضورشان ضروری نبود، مرخص شدند، اما برای نیروهایی که حضورشان برای شرکت و حتی از منظر ملی اهمیت داشت، تلاش کردیم با در نظر گرفتن جنبه‌های مادی و معنوی، آن‌ها را حفظ کنیم. این اقدامات به ما امکان داد تا پایداری و پشتیبانی خدمات را برای حدود ۴۰ تا ۴۵ میلیون مشتری بانک ملت تضمین کنیم. در شرایطی که زندگی همه ما به کارت‌های بانکی وابسته است و پول نقد دیگر نقش چندانی ندارد، حفظ پایداری خدمات بانکی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است تا مردم در دریافت خدمات مالی و بانکی با مشکلی مواجه نشوند.

برای دستیابی به این هدف، اقداماتی مانند شیفت‌بندی مناسب انجام دادیم و برای برخی کارکنان که حضورشان در محل کار ضروری نبود، امکان دورکاری را بررسی کردیم. اگرچه به دلیل حساسیت جایگاه شرکت، دریافت مجوزهای لازم برای دورکاری چالش‌هایی داشت، اما این موضوع را با جدیت پیگیری کردیم.

در حوزه زیرساخت‌ها، مهم‌ترین اصل این است که از تصمیمات عجولانه در ارائه یا قطع خدمات پرهیز کنیم. پایداری سیستم‌ها اولویت اصلی ماست. از سال گذشته، با پیش‌بینی شرایط احتمالی، تمهیداتی اندیشیده بودیم که به ما کمک کرد تا بانک ملت به یکی از پایدارترین بانک‌ها در ارائه خدمات تبدیل شود. ما هیچ‌یک از خدمات خود را، چه برای مشتریان، چه برای شرکای تجاری و استارتاپ‌هایی که با ما همکاری می‌کنند، متوقف نکردیم. تنها تغییراتی که اعمال کردیم، توقف موقت توسعه‌های کوتاه‌مدت و اعمال تغییرات با لایه‌های کنترلی بالاتر بود. همچنین، در حوزه سخت‌افزار، شبکه و امنیت، مراقبت‌های خود را افزایش دادیم و خوشبختانه با موفقیت از چالش‌های موجود عبور کردیم.

آیا در این مدت بانک ملت با حملات سایبری یا اختلال در زیرساخت‌های خود مواجه شده است؟

اخیراً شاهد حملاتی به زیرساخت‌های مخابراتی کشور بودیم که برای برخی بانک‌ها مشکلاتی ایجاد کرد. خوشبختانه، به دلیل تمهیدات پیش‌گیرانه‌ای که از سال گذشته در نظر گرفته بودیم، بانک ملت هیچ اختلالی در ارائه خدمات خود تجربه نکرد. ما دقیقاً پایدارترین سرویس‌های ممکن را ارائه کردیم و تا آخرین لحظه هیچ خللی در خدماتمان ایجاد نشد. درحالی‌که برخی بانک‌ها متأسفانه آسیب‌هایی متحمل شدند، ما با موفقیت از این حملات عبور کردیم و هیچ حمله‌ای نتوانست خدمات ما را مختل کند.

در شرایطی که زندگی همه ما به کارت‌های بانکی وابسته است و پول نقد دیگر نقش چندانی ندارد، حفظ پایداری خدمات بانکی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است

برای تأمین نقدینگی در شرایط کنونی، چه اقداماتی باید در اولویت قرار گیرد و از چه اقداماتی باید اجتناب کرد؟

از منظر شرکت بهسازان ملت که به طور کامل متعلق به بانک ملت است و مأموریت متفاوتی نسبت به شرکت‌های خصوصی فعال در بازار آزاد دارد، دغدغه تأمین نقدینگی چندان پررنگ نیست، زیرا از حمایت‌های بانک ملت برخوردار هستیم. بااین‌حال، برای شرکت‌های خصوصی، مهم‌ترین اولویت حفظ منابع انسانی است. به‌هیچ‌عنوان نباید کاستی یا کمبودی در حوزه منابع انسانی ایجاد شود. شرکت‌ها باید تمام تلاش خود را برای حمایت و حفظ کارکنان به کار گیرند. در مقابل، برخی هزینه‌های غیرضروری، مانند خرید تجهیزات غیرحیاتی، می‌تواند به تعویق بیفتد. بانک‌ها نیز در زمینه تسهیلات و وام‌ها حمایت‌هایی ارائه کرده‌اند که می‌توان از آن‌ها بهره برد. اما هرگونه کاهش هزینه که به منابع انسانی یا تداوم کسب‌وکار آسیب بزند، باید با دقت و حساسیت انجام شود. به نظر من، شرکت‌ها باید با احتیاط هزینه‌های خود را مدیریت کنند و از هر اقدامی که به پایداری کسب‌وکار یا نیروی انسانی لطمه بزند، اجتناب کنند.

کسب‌وکارها تا چه حد می‌توانند روی حمایت‌های دولتی در این شرایط حساب کنند؟

این سؤال همیشه یکی از موضوعات کلیدی در گفت‌وگوهای کسب‌وکارهاست. در حوزه سخت‌افزار مهم‌ترین نیاز مدیریت بازار ارز است تا شرکت‌ها بتوانند تجهیزات موردنیاز خود را تأمین کنند، به‌ویژه در شرایطی که نیاز به زیرساخت‌ها افزایش یافته است. در حوزه نرم‌افزار دولت می‌تواند با ارائه معافیت‌های مالیاتی و بیمه‌ای از شرکت‌ها حمایت کند. خوشبختانه، اخیراً برخی اقدامات در این زمینه به‌موقع انجام شده است. علاوه بر این شرکت‌هایی که با کسب‌وکارهای نرم‌افزاری همکاری می‌کنند باید با پرداخت به‌موقع و حفظ سرویس‌ها از آن‌ها حمایت کنند. اما حمایت‌های مادی مستقیم مانند کمک از صندوق‌های دولتی، کمتر مشاهده شده و بعید است شرکت‌ها در شرایط کنونی انتظار چنین حمایت‌هایی داشته باشند. به نظر من، حمایت‌های دولتی باید در قالب مدیریت بازار و ارائه تسهیلات مالیاتی و بیمه‌ای باشد تا شرکت‌ها بتوانند به فعالیت خود ادامه دهند.

در صورت تداوم شرایط کنونی، کدام کسب‌وکارها یا حوزه‌ها زودتر به تعدیل نیرو روی خواهند آورد؟

به نظر من شرکت‌های فعال در حوزه خدمات به‌ویژه در بخش لجستیک و استارتاپ‌های بزرگ مانند اسنپ و دیجی‌کالا که خدمات مستقیم به مردم ارائه می‌دهند زودتر با چالش مواجه خواهند شد. این شرکت‌ها به دلیل وابستگی به وام‌های خرد و کاهش قدرت خرید مردم، با اختلال در بازپرداخت‌ها و کاهش تقاضا روبه‌رو می‌شوند. همچنین، شرکت‌هایی که با دولت همکاری دارند و روی پروژه‌های توسعه‌ای متمرکزند، آسیب‌پذیرتر خواهند بود. در شرایط بحرانی، دولت‌ها معمولاً توسعه را از اولویت خارج کرده و بر حفظ شرایط موجود تمرکز می‌کنند. این امر باعث می‌شود شرکت‌های وابسته به پروژه‌های دولتی و کسب‌وکارهای خرد مردمی، مانند آن‌هایی که خدمات خرد ارائه می‌دهند با آسیب جدی‌تری مواجه شوند.

وضعیت کسب‌وکارها در شرایط بحرانی کنونی چگونه بوده و سبک زندگی کسب‌وکارها، به‌ویژه ایوند، چه تغییراتی کرده است؟

ما در یکی دو روز اول اصلاً به فکر کار نبودیم و بیشتر دنبال این بودیم که به جایی پناه ببریم. برای کسانی که در تهران بودند، بررسی می‌کردیم که آیا می‌توانیم کاری انجام دهیم یا اگر دورکاری کنیم، چه شرایطی پیش می‌آید. چند روز اول به این شکل گذشت و کماکان هم دورکار هستیم. در این میان اینترنت واقعاً برایمان مسئله بود. اگر اینترنت این‌گونه نیمه‌قطع نمی‌شد، شاید می‌توانستیم کمی به کارها ادامه دهیم، اما در این چند روز نتوانستیم کار زیادی پیش ببریم. خیلی از ابزارهایی که استفاده می‌کنیم، مثل گوگل میت و ابزارهای برنامه‌ریزی‌ها، به VPN نیاز دارند و VPNهای خوبی نتوانستیم تهیه کنیم. فیلترشکن‌های قبلی هم قطع شدند و این مسائل باعث شد عملاً دو هفته از برنامه‌هایمان عقب بیفتیم.

آیا فعالیت‌های ایوند در حال حاضر ادامه دارد یا کاملاً متوقف شده است؟

شرکت فعال است. دو بحث وجود دارد: یکی اینکه درهای کسب‌وکار باز است، سرورهایمان که داخل ایران هستند، قطع نشده‌اند و افراد می‌توانند رویداد ثبت‌نام کنند یا برگزارکنندگان کارهایشان را انجام دهند. از این نظر مشکلی نیست. اما از نظر کارهایی که می‌خواستیم انجام دهیم، مثل اضافه کردن ویژگی‌های جدید، عقب افتاده‌ایم و نتوانستیم این کارها را پیش ببریم.

به عبارت دیگر، بخش عملیاتی ایوند که به کاربران اجازه می‌دهد رویدادها را ثبت یا مدیریت کنند، به دلیل میزبانی سرورها در داخل کشور همچنان فعال است. این بخش از کسب‌وکار ما به دلیل زیرساخت‌های محلی کمتر تحت تأثیر قطعی اینترنت قرار گرفته است. کاربران همچنان می‌توانند از پلتفرم ما برای ثبت‌نام در رویدادها یا انجام کارهای مرتبط با برگزارکنندگان استفاده کنند. اما بخش توسعه‌ای و نوآورانه کار ما که شامل افزودن قابلیت‌های جدید، بهبود تجربه کاربری و گسترش خدمات است، به‌شدت متأثر شده است. ما برنامه‌هایی داشتیم که قرار بود در بازه زمانی مشخصی اجرا شوند، اما این شرایط بحرانی باعث شد که عملاً نتوانیم آن‌ها را پیش ببریم.

حمایت روانی از نیروی کار در جنگ‌ها

جنگ‌ها تأثیرات عمیقی بر سلامت روان افراد، به‌ویژه نیروی کار، دارند که می‌توانند بهره‌وری، انسجام اجتماعی و تاب‌آوری روانی را تحت تأثیر قرار دهند. حمایت روانی از نیروی کار در شرایط جنگی به‌عنوان یک ضرورت برای حفظ سلامت روان و عملکرد مؤثر آن‌ها مطرح است.

جنگ‌ها با ایجاد استرس، اضطراب و افسردگی، سلامت روان نیروی کار را تهدید می‌کنند. بر اساس مطالعات انجمن روان‌شناسی آمریکا (APA)، ارتباطات اجتماعی قوی یکی از مهم‌ترین عوامل حفظ سلامت روان در شرایط بحرانی است. نیروی کار در جنگ‌ها اغلب با فشارهای روانی ناشی از ناامنی، از دست دادن عزیزان و محدودیت منابع مواجه می‌شود. این شرایط می‌تواند منجر به خستگی عاطفی و کاهش کارایی شود. بنابراین، خودمراقبتی و حمایت اجتماعی برای کاهش این فشارها حیاتی است.

یکی از راهکارهای مؤثر، ایجاد شبکه‌های حمایت اجتماعی است. گفت‌وگو با افراد مورد اعتماد، مانند همکاران یا خانواده، می‌تواند فشار روانی را کاهش دهد. مشارکت در گروه‌های حمایتی محلی یا آنلاین نیز حس همبستگی را تقویت کرده و به نیروی کار کمک می‌کند تا با تبادل تجربیات، احساس انزوا را کاهش دهند.

دسترسی به کمک‌های حرفه‌ای نیز نقش کلیدی دارد. مشاوره با روان‌شناسان یا سازمان‌های امدادی می‌تواند به نیروی کار کمک کند تا احساسات منفی را به‌عنوان بخشی از تجربه انسانی بپذیرند و با آن‌ها کنار بیایند. تکنیک‌های ساده مانند تنفس عمیق، مدیتیشن و حفظ روال‌های روزمره نیز در کاهش استرس مؤثرند.

در نهایت، حمایت روانی از نیروی کار در جنگ‌ها نه‌تنها به بهبود سلامت روان افراد کمک می‌کند، بلکه به افزایش بهره‌وری و انسجام اجتماعی منجر می‌شود. با به‌کارگیری راهکارهای علمی و ایجاد شبکه‌های حمایتی، می‌توان تاب‌آوری روانی نیروی کار را تقویت کرد و امیدی برای آینده‌ای بهتر ساخت.

100 CEOs

VIP Event

رویداد مدیران عامل

صنایع و اکوسیستم های مختلف اقتصادی

سومین رویداد **۱۰۰ مدیرعامل**
تیر ماه برگزار می‌شود

برای کسب اطلاعات بیشتر با راه‌کار تماس بگیرید ۰۲۱-۴۴۴۴۳۹۶۶

راه‌کار
کارخانه نوآوری رسانه راه‌کار
way2work.ir